

کند راهی بخطا پیوده ، ولی کدام انجاده ؟ انجاده که
 مینایش بر استقلال ایران باشد ، انجاده که مارا بترك
 مرعوبیت از اجانب دعوت کند ، انجاده که تنبلی و
 سستی یا بلذت دیگر نراسکت شناسی بر منی رجال
 سیاست مارا دور نماید ، انجاده که دست غامبر حقوق
 میله را از وطن عزیز ما دور سازد ، انجاده که
 حافظ بیضه اسلام شناخته آید ، ورنه اگر انجاده شود
 بر اینکه مشروطیت را تبدیل به استبداد کنند و
 محمدعلی را بجای احمد شاه به نشاند و امیر بهادرها
 و امثال آنانرا بروی کار اند و یا در مقابل تکالیف
 غیر دینی متجاوزین بخیرالات واهی تسلیم شوند ،
 هرگز درجه اختلاف بهر از این انجاده است

(۲) نخبینه عایدات دولتی بوضع کنونی می گردد
 تومان است و یقیناً پس از بمبئی علمی با حسن اداری
 در عرصه ده سال سر بهشت گردد خواهد زد از امروز تا
 بازده سال دیگر ایران باید نصف عایدات مملکت را صرف
 اداره نظامی نماید ، چه باعاق دانایان حفظ استقلال
 ایران جز باین قوه قاهره غیر میسر است و چون
 قوای دولت ایران دست از هم برداشته مانند دول
 سائر بصرف ثلث عایدات در اداره نظامی کافی
 تصور نمی شود و ایران نمی تواند در مقابل همسایگان
 متجاوز حقوق استقلالیه خویش را حفظ نماید لذا
 حصه عمده عایدات باید صرف قوای نظامی موجوده
 دولت بشود و بیک حصه از آب را در خرید
 اسلحه و تاسیس ادارات قشون ملی از روی علم
 و اصول عسکر گیری سوید بنمایند و هرگاه از
 مصارف این اداره نظامی کم کرده و صرف سائر
 ادارات و نهایشات بی معنی نمایند حکم نقش بر آب
 یا نقش و نگار در دیوار عمارت پیشانوده است ،
 و اگر با اصول اقتصادی و بدون حیث و میل
 رفتار شود بقیه عایدات مملکت برای تشکیل ادارات
 دیگر کافی تصور می شود

(۳) بیک حصه از بقیه عایدات مملکت باید بدون
 فوت وقت در تعمیم معارف و اجرای تعلیم اجباری
 و فرستادن شاگردان به اروپا صرف شود چه بدون
 قوه معارف و نظام نه استقلال ایران محفوظ تواند ماند
 و نه رفع احتیاج ایرانیان از خارجه تواند گردید ،

واقعات دوی

در جهاز پهل ووز ۱۸ جدی از دوی قریب
 ۲۰۰ نفر آمدند عمل نگذشته و اعراب تماماً بوزد
 شیخ املی که شیخ خود شان است هستند ، چون
 شیخ طالب صلح با انگلیس است اعراب خیال
 دارند دیگری را شیخ نمایند ، حالت جمهور دارند ،
 هر کس را عموم قبول نماید شیخ است موزونی
 نیست ، مبلغ بجاه هرار روپیه شیخ املی از اوزی
 و بستکی و لاری گرفت و از هر هر یک قبضه
 قنک با یکصد روپیه بجاه هرار روپیه و ۴۰۰ قبضه
 قنک تسلیم صاحب منصب جهاز فاکس نمود ،
 اشخاصیکه خواه وعیره بنا گذارده بودند بکلی منع
 نمودند و خیال دارند کزک زیادی روی نخواه بگذارند
 و تعدی و ظلم بایرانی ها نمایند که باز دوی مثل
 سابق خراب شود ، انگلیس ها بموجب قرار
 دادی که سی سال قبل داده اند که هرگاه نخواهد
 تلگراف نصب نماید زمین و محل بدهند و حال مطالبه
 می نمایند ، و محلی را انتخاب نموده و علامتی گذارده
 اند ، لیکن اعراب بکلی مطعن نیستند و اغلب متفرق
 شده اند ، مشکل است دوی بحالت اول برگردد ،
 مطنون است که لشکر مثل ده سال قبل آباد شود

تلگراف مقام منبع ریاست روحانی اسلام

(بوزراء دربار)

مقام منبع وزراء العمام ایدم الله تعالی ، اگر چه
 بحمد الله تعالی کفایت و درایت این هیئت معظه
 موجب کمال امیدواری و از این حسن انتخاب
 همینقدر متشکریم ، لیکن بوسیله بی خبری از تعیین
 ایالت فارس و اصلاح جنوب و تراکم موانع داخلیه
 و خارجیه آراء ما مشوب ، الشاء الله تعالی تمام رجال
 با شرف و حجت ایران بلاهاتی را که دست دشمن
 بوسیله اختلاف مسالك و رقابت آراء و جنگ های
 داخلی و دسته بندی و اداره سازها بر سر ما
 آورد کاملاً متنبه ، با بیک اتفاق وطن پرورانه و اتحاد
 مسلك و اغماض از تمام ماضی حق دین پرستی را
 اداء و پیش از این خود را دست دشمن نخواهند
 داده ، و آن هیئت معظه با کمال نفوذ و فعالیت
 بجهت وقوف الهی عن اسبه و بحسن مساعدت آقایان

علماء و آراء طبقات ملت مستظهر و باصلاحات
جازمه و قطع بهاء اجانب و صرف مالیه در تشکیل
قوة نظامی و سایر مجبوراً تا حسن نتیجه در مملکت
مسارعت و بشارت اصلاح خوب و نگرانی را ماحلاً
اعلام خواهد فرمود انشاء الله تعالی ، تلگراف دبل
چون محل اقامت معلوم نبوده آن هیئت معطله
سریعاً اطلاع خواهد فرمود .

مقام منبع بیانات سلطنت عطی دامت شوکه
در چنین موقع باریک که قدم بهجت لروم برای
وطن اسلامی یگانه و سیده محبت و عود استقرار حیات
است مسارعت به تشریف فرما و اعراض از هر کوه
مزاحمت از اهم واجبات است انشاء الله تعالی زیاده
تاخیر حایز مذایسته به حسن احبات مملکت را احیاء
و قاطبه ملت را رهینت خواهد فرمود انشاء الله تعالی
محمد کاظم الخراسانی عبدالله المازندرانی

برونست اهالی اصفهان

(بر خلاف تجاوزات همسایگان)

تلگراف حاه مبارکه کویه به تمام سفرای عظام
و جریده مجلس . استقلال ، ایران نو ، پلیس ایران
دهید ، بمقام منبع سفرای عظام و وزرای گیار دول
متمنده متعاه دامت شوکتهم لعالی . که بدربار دول
متبوعه خود اطلاع نماید .

هر ملتی که مبعوضه طرز سیاست و
مملکت داری خود را تغییر دهد و اساس
حکومت مستبده را به تشکیل حکومت مشروطه
تبدیل نماید در ابتدا واسطه مزاحمت و مصادعت
و وقوة متضاده که یکی هواخواه وضع قدیم و دیگری
طرف دار اسلوب جدید بوده گرفتار پاره انقلابات
و اغتشاشات میشده که آن انقلابات چون مقدس و
در طریق اصلاح است و نتیجه آن آبادی یک
قطعه عالم و ترقی یک ملت و طاقه است که ضمناً
کلی ترقی سایر ممالک و منافع آن شامل سایر ملل
و طوایف خواهد شد بموقع است دولی که خود را
طرف دار نوع بشر و ترقی عالم می دانند بایک چنین
ملتی که بجهت بیل بمقام ترقی و تمدن مجاهده میکنند
و می خواهد در سایر اصلاحات هم خود کسب
منافع کرده هم بر منافع دول سایه که باو طرف
مراوده و مرابطه و تجارت هستند بیفزاید
مساهدت و همراهم نمایند نه اینکه هر روز سنگ ماه

و دست آویز غیر واقع بر او خورده گیرند و
بوسایل غیر حقه او را از ترقی باز دارند ، ملت
محیب ایران که از چهار سال قبل به حقوق خواهی
نهضت کرده و در این مدت همواره جوانان رشید
خود را فدای اصلاح طلبی ساخته در هر موقع که
بمدافعه به قوای استبدادیه میپرداخت چیزی را که
از همه بشر قابل ملاحظه میدادست هماغه حفظ منافع
و مصالح همسایگان بود که بسا میشد مجاهد از جان
و مال خود فراموش میکرد ولی این نکته را فراموش
نمیکرد چنانچه از مقام مقدس روحانین که قائد و
پیشوای ایرانیان هستند در تمامی احکام و منشورات
که ملت را محقوق خواهی دعوت کرده و نهضت
داده اند به حفظ جان و مال خارجه و رعایت حقوق
و مناسبت همسایگی که از مصادر اولیای مذهبی ما
رسیده ستارش و توجه شده است ، و در این مدت
هم شنیده نشده که از حزب ملتیان خطری بآنها
متوجه یا ضرری رسیده باشد ، چنانچه با این انقلابات
مقتضیه تبدیل حکومتی همسایه شمالی ما ادارات تجارتی
و شاخهای بانک استقراضی را هر روز به هر جا با
کمال اطمینان امتداد میدهد کما اینکه یکی دو ماه است
شعبه جدیدی از بانک استقراضی به علاوه ادارات تجارتی
باصفهان رسیده و ما هر یک را بجای خود پذیرفته
از هر نوع مساعدت مضایقت نمیکنیم ممالک که با
این همه رعایت دوستی با این همه حفظ مناسبات
و داده دولت روس چهارده ماه است بدون هیچ
لحقی و برخلاف انصاف قشون خود را در چند نقطه
وطن ما نگاه داشته و بمداخلات حق شکنانه استقلال
ایران را تهدید مینماید و باسم حفظ امنیت سلسله
حنبان انواع اغتشاشات و نا امنی ها شده اند ، چنانچه
مشهور گردیده در این مدت آنچه باغی و متمرد
و منسده جوی که از طرف شمال که مقیم قشون
روس است برانگیخته شده است و از طرف جنوب
با اینکه اغلب اوقات از حکومت خالی بوده نشده
و دولت ایران با آنکه از فرط اغتشاش حواس
هنوز بترتیب قشون منظمی موفق نگردیده به همدستی
ایلات محیب در اسرع وقت قشون و استعداد گسیل
داشته هیچ از سرکوبی متمردین صرف نظر نکرد مگر
وقتی که بخاک روسیه فرار کردند با یکی از مأمورین
سیاسی دولت روس شناخته شدند با این مداخلات

ایران نو، پادشاه ایران، استقلال ایران و مجلس شورای ملی و کابینه وزراء،

در زمانی که ملت ایران فداکاری مجاهدت های بسیار اسـاس ظلم و خودسری را که مایه خرابی مملکت بود برداشت مشروطیت را محـای آن در ایران قیام کرده مصمم ترمیم خرابیهای سابق و اجرای قانون عدل و مساوات میباشند دولت روسیه به بهانه های نامشروع قشون خود را در ایران توقف داده قریب دو سال است متوقف شده است در صورتی که در آن انقلابات بزرگ ایران ادا خطری بمقتوی اتباع خارجه نرسیده حضور قشون روسی در ایران تولید اعتشاشات و فتنه های زیاد نموده مانع از اجرای اصلاحات گردیده است به همراهی دولت فخریه انگلیس اشکال زیاد از برای دولت می تراشد، گاهی مانع استقرار از خارجه میشوند، گاهی میخواهند دادن قرض استقلال يك ملت و دولت قدیم را مضحک فرمایند در جلب مستشاران خارجه یادداشت میدهند، در عزل و نصب وزراء و حکام دخالت میکنند، مختصراً از هیچ نوع اقدامی بر ضد استقلال ما فرو گذاری میکنند، البته یاد داشت اخیر دولت انگلیس مکتشف خاطر عالی و امروز موضوع بحث تمام جرایم عالم است آیا این است معنی عدم مداخله که جناب سرادوردگری مکرر ابرار فرموده اند؛ اگرچه ما مقام رجال دولت فخریه انگلیس را پیش از آن میدانیم که بخوانند بدسایس دولت روس باین آشکاری با بمقتوی دولت اسلام نهاده تمام مسلمانهای عالم را از خود آزرده و متفر سازد، ولی ملت ایران با يك عزم و اسخ و صدای رسا، گوش عالی را از این فریاد عالی منظرانه خود بر مبادد، بهیچوجه دول بیگانه حق آنرا نخواهند داشت حقوق مشروع ما را از ما سلب نمایند اگرچه ما اهالی سرحدات تاکنون در فشار مامورین حدودیه عثمانی بستوه آمده ایم معذالك باز فشار و قتل و غارت عشایر متبرده و تجاوزات مامورین عثمانی از آن اقدامات حق شکنانه دولت انگلیس و روس کوارتر و تا جان در بدن داریم باین ذلت تن در نخواهیم داد، دولت فخریه انگلیس که در حکم امروز فرما فرمای بزرگ يك ملت متقدمی بشمار است راضی نخواهد

غیر منصفانه همسایه شمالی جنوبی که در اول با مقاصد حق ملت همراه و در پیشرفت مشروطه ایران مساعدت می نمود در طی يك اختطاری که بدولت ایران کرده هم خیالی خود را با دولت روس مشهور داشته و از برده استار جلوه گر ساخته که اگر پس از سه ماه قطعه جنوبی ایران امنیت حاصل نه نمود خود در تامین آن اقدام نمایند آیا با يك چنین ملتی که تازه بضرر ترقی افتاده و انقلابات سیاسی را با آت هم سلم و سکولت و حزم و احتیاط خانه داده از رعایت مناسبات دولتی با دول همجوار چیزی فرو نگذاشته این مساملات موافق انصاف و عدالت است، آیا دول معظمه متحاه که هوا خواه نوع بشرند این بی اعتدالی ما را می کنند علیهذا بذریه این تلگراف که حاکم عقاید عامه اهالی است عدم رضایت و انزجار قلوب خود را از خیالات استقلال شکنانه همسایگان برنام دوباره های دول معظمه عالم بروست مینمایم و اغتشاش ایران مستند بتوقف قشون روس میدانیم که از يك طرف قطعه شمال را اشغال داشته و از طرف دیگر مجال نداده که حواس دولت مصروف تنظیمات طرف جنوب شود اگرچه امروز دارای کمال امنیت است به از ورود حکومت بر نظم آن خواهد افزود، ملت ایران که فدائی استقلال وطن خود میباشد، زیر بار اینگونه تجاوزات نخواهد رفت و در حفظ استقلال مملکت که در راه اصلاح آنها جان و مال ایثار کرده از اتخاذ هرگونه وسیله فرو نخواهد نشست، همین قدر میخواست محاببت و بیداری خود را در صراط دوستی معرفی نماید ولی امروز مراقبای نماید و هر وسیله برانگیزد بواسطه حیث وطن دوستی و استقلال خواهی است لا غیر

(اتحادیه تجار اسفهان)

برونست اهالی ارومیه برخلاف قیام (قشون روس)

از طرف عموم اهالی ارومی با کمال توقیر و احترام خدمت دول معظمه سکویه سنارت عثمانی، سنارت آلمان، سنارت اطریش، سنارت ایتالیا، سنارت انازونی، سنارت هلند، سنارت انگلیس، سنارت بلجیک، سنارت فرانسه، سنارت سوئیس، سنارت روس، زحمت عرض نمیدهم که جرایم مجلس متفرقه تمدن برقی

شد که ششصد کرور مسلمان را با این بادداشت‌های غیر مشروع اولیای امور خویش از خود متغیر و مسلوب‌الاعتقاد سازد و البته سفرای محترم دول‌عظم شرح حال این معروضات ملت ایران بمقامات عالیه عرض و نظر حق شناسی تمدن پرور دولت فخریه خویش را بطرف ما ایرانیها جلب خواهند فرمود. امصای هموم مجتهدین و علماء و طلاب و سادات واعیان و ملاکن و تجار و اصناف معروف ۲۳۱۲ نفر

مشهد

(وقایع نگار جبل‌المتین)

تخصیص اقدام ایالت تازه از بدو ورود تصنیف عمل مان بوده است که بدست آوردن نان خیلی اسباب زحمت بود و قرار شد که همه روزه چهل خرور گندم از مالیه بجزاخانه داده شود، این روزها نان فراوان شده است، و دیگر از اقدامات ایالت اینکه در صدد اصلاح امور عدلیه بر آمده، این مسئله واضح است که مقصود از این همه فداکاریها نشر عدالت و انتظام مملکت بوده است، شی و حسب احصار ایالت حلیه حی از عظامی شهر در ارك احلاس نمودند، پس از مذاکرات شش‌روزه انتخاب شدند که بروند در عدلیه اجزاء را جرح و تعدیل نموده بودجه عدلیه را مرتب نمایند. عجزه که اوضاع عدلیه خیلی درهم و روم و چند روز است که دیوانخانه عدلیه تعطیل و اجزاء محض نرسیدن حقوق (کرور) کرده اند. تمام کارهای مردم بعهده تمویق مانده است

طیبر السلطان معاون ابالت پس از خرابکاریهای زیاد معزول و بجانب طهران رهسپار گردید، ولی متأسفانه بطهران نرسیده بجای دیگر منصوب خواهد شد، مثل رئیس عدلیه نیشابور که این همه فتنه و آشوب را انداخت و محمد علی گنابادی را نخریک نمود (که تا امروز چندین نفر را کشته و مبدلی قوه دولت صرف دستگیری محمد علی است و تا حال هم نتوانسته‌اند او را بدست بیاورند) با این ترتیبات و این همه خیانت‌ها از ریاست عدلیه نیشابور معزول حاصله دوروز مجدداً باز ریاست عدلیه بجای دیگر معین شد

صدیق حرم ریاست نظمی خراسان منصوب و همین روزها وارد شد هنوز اقدامی از ایشان

نشده امیدواریم خرابکاریهایی که پس از معتمدالوزاره شده بود اصلاح فرمایند

اوضاع آستانه که سالیان دواز است بقلم معجز شیم اصلاح آن را می نویسد هنوز در ابد است فسرده اولیاء امور ابداً اثری نکرده ظاهراً صدرالممالک متولی بانجی چندین مرتبه در صدد اصلاح بر آمده اشخاص که مال حضرت را به هفت برده و بیخورد و صرف بیهوده می نمایند طاع شده انواع اقسام محذورات پیش آوردند، جنیدی قبل وزیر اوقاف جمع و خرج آستانه را خواسته بود، میرزای ضابط را از آستانه انتخاب نموده روانه کردند اصلاحی که پیش آمده و می توان امیدوار شد این است که اولاً مبالی میرزایی ضابط بخارج سز به خرج حضرت آورده و اضافه واجب از جهت خود معین نموده بکنفر را هم باسم رئیس کابینه با خود مشهد آورده، و مامیانه مبالی بر بخارج آستانه از بابت کابینه اضافه شده است و هیجده هزار تومان میرزای ضابط از بابت اجاره املاک با آستانه‌دهی دارد، انواع اقسام بارتی مازی دومیان اجزاء آستانه انداخته که این مبالغ بول را بخورد و ما یک نفر از علماء زادگان همدست شده است که شاید بهمدستی این شخص مال الاجاره را بلع باید

آقای ننان السلطنه پیشکار مالیه خراسان اداره مالیه را در نهایت سخت بطرز جدید دادر نموده است الحقی مالیه درمیان سایر ادارات خراسان دارای یکنوع امتیازی است در سخت عمل و مرتب بودن شعبات آن

چند روز قبل جمعی از علماء و تجار و کسبه از جهة (متینگ) به مسجد گوهر شاه جمع شده ناآهین از تجاوزات حقوق شکنانه روس نطق‌های آتشین و بلیغ نمودند خونهای امالی در شریات بپوش آمده یک نفر از طلاب محترم عمایه خود را میان بخاری انداخته و سوزانید چند نفر هم از جوانان با غیرت در همان مجلس پیراهن و کراوات را میان بخاری انداخته تبدیل به سکرپاس وطنی نمودند، بالاخر حرمت استعمال امتعه روس را جمیع علماء در همان مجلس تقوی دادند تمام تجار به حال خود در روسیه تلگراف نمودند که دیگر منابع روس

از جهت ایران خریداری نه نمایند و الآن در تمام مسائل روضه خوانی عوض جانی و قهوه شهر با سل میدهند

حکم محکم حجج اسلامیه خراسان

(در حرمت استعمال امتعه روس)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

چون اجحافات و تجاوزات دولت روس که چون شعله آتش بخرمن اسلام افتاده از حد گذشته است و بواسطه سوق قشون خود نقاط شالی و شرق غربی ایران امنیت این مملکت را متصدم و افکار عمومی را بنمایشات خارج از قانون خود اشتغال نموده و روح دیانت مسلمین را بفشار های فوق العاده خودش معذب داشته و بکلی جلو ترقی و تکامل و پیشرفت امور مملکت و ملی ما را سد کشیده است و روز بروز هم بر تعداد قشون خود در داخله افزوده و می افزاید

علماء عظام و حجج اسلامیه نجف اشرف که از ارکان عالیه روحانیت ما بشمارند در جلو حرکات دول همجوار متمدنی بخصوص دولت روس اظهار نفرت فرموده و بترك امتعه این دولت دستخطهای متواتره صادر فرموده اند، ما بیائت حاضره نیز نظر بتجاوزات دولت مزبور و عموماً و احکام حجج اسلامیه خصوصاً از امروز بترك امتعه روس میان بسته و با تمام نفرت خود مان اجناس این دولت جار را بنظر بی قابلیت دیده و کلیه مال التجاره از قند و جانی روس و سایر اقشه و اشیا را بر خود حرام دانسته و هر کس از ایرانیان که جنس روسی استعمال کند او را از کسوت روحانیت ماری شناخته و با او آمد رفت را موقوف خواهیم کرد بتاريخ ۲۹ ذالحجه الحرام ۱۳۲۸

(جلال التین)

آفرین و اسلام برستی و استقلال جوئی و وطن خواهی علماء اعلام خراسان که در این مجامعه اقتصادی بوی مسابقت را از کلیه علماء ایران بودند چه قدر مایه تمجیب است که سایر علماء اعلام ایران در تأیید و اجرای این حکم الهی تقاعد و ورزیده دشمن را جری و اسلام را ضعیف نموده اند، امروزه بزرگترین مجامعه اسلام پسندانه برای طایفه ایرانیان بهتر و بالاتر و مؤثر تر از این جهاد

اقتصادی نمی باشد و اجرای این حکم محکم مقام منبع ریاست روحانی اسلام منوط به تأییدات عملی رؤسای روحانی کلیه بلاد ایران است، امروز اطاعت از این حکم بر هر مسلمانی خاصه علمای اعلام واجب عینی است، ایرانیان نباید فراموش نمایند بایکاتی را که در مسئله رژی نموده و در چند روز بمقصود نائل آمده، سبب عمده آت کامیاب ما تا باید عموم علماء اعلام و اتفاق طایفه مسلمانان بود و امروز هم اگر علمای اعلام در اجرای این حکم حیات بخش فعالیت نموده و هیئت جامعه ملت را در بایکات امتعه روس متفق سازند چیزی نگذرد که هم قشون روس خارج شود و هم سایرین را از بلند پروازی مانع آید

ای علماء اعلام ای طلاب ذوی المنز و الاحترام ابراش، ای نجاران غیور، ای اصناف و طبقه رنج بر، پنج سال است که شا جان دادید مال دادید سمندر وار در آتش شدائد زیستید برای چه، برای حفظ استقلال این مملکت اسلامی، برای اینکه گردن بزر بند اسارت مستبدین از همچنان خود ندهید، آیا در مجاهدات خود کامیاب گردیده اید، هم می توان گشت آری و هم می توان گفت نه، چه از يك طرف از بند اسارت مستبدین نجات یافته و از طرف دیگر بدتر از آنها در وطن شما جای گزیده و قبور آبا و اجدادتان را لکد کوب سم ستور و اسلام را زیر پای می ساخته و دست بی ناموسی به مادران و خواهران شما دراز می کنند چه شده است شما را که برای حفظ بیضه اسلام و رهانیدن خودتان را از اسارت ابدی و قطع ایادی بی ناموسان را بناموس خودتان در این مجامعه اقتصادی نمی کوشید؟ آیا استعمال امتعه روسی نزد شما از حفظ بیضه اسلام و استقلال وطن و ناموس و آزادی و فدیه جان و مال که در این پنج ساله نموده اید بالاتر است؟ آیا دوتراک امتعه روس جز بی حسی چه مانعی در پیش دارید؟ اگر اتحاد ملت اتحاد نموده و علماء اعلام ایران هم تأیید نمایند و بوجد نفرت وطن فروشان هم به مخالفت آغازند بدون حرف نتایج حسنه ملیه حاصل خواهد آمد، بایکات امتعه روس نه تنها حیثیات ملی و اسلام برستی ایرانیان را بر کلیه عوام متمدنه دنیا مسلط میسازد بلکه بزرگترین

منافع سیاسی و اقتصادی هم بایرانیان عاید می‌کنند، و ما کلیه علماء ایران را مخاطب ساخته عرضه می‌داریم که اعطای وظیفه اسلام برستی شما موالی، مجامعه در اجرای این حکم مطاع مقام منبع ریاست روحانی اسلام است و هر يك از شما بزرگواران که حق جهد و كوشش را در بیداری ملت و اجرای این حکم فرماید در حضور صاحب شریعت مطهره اسلام مسئول و در تاریخ دنیا ملوم خواهید بود. آیا هنوز هم از مقاصد فاسده روس کاملاً مطلع هستید آیا ملاحظه می‌کنید که همه روزه يك راهه کاده قشون در حاکم وطن عزیزتان می‌فرستد آیا می‌دیدید حاکم خراسان و مشهد مقدس که قبل از اسلام است نملو از قزاقان خود ساخته آیا نمی‌شود استعانه اسلام را، آیا ندیدید که قزاقان روسی به بی احترامی قدم حرات بحرم حرم آقای تقی الاسلام تبریزی نهادند، آیا اقدامات جدی خود را برای کی گذارده‌اید، آیا منتظر آن روزید که بای جبارت بحرم خود تان هم دراز نموده تا اگر برگه عبرتات تانم خورده اقدامی هم بکنند کاری از پیش تان رود، می‌دام علمای سایر بلاد ایران خوانند یا بیدار، آیا هنوز موقع مجاهدات جدی آن‌ها نرسیده است، خدای ما خواسته امپریال های روسی چشم‌ها را خیره و یا نزاکت شناسی درباریان و مدرك بشاهم سرایت نموده است؛ عبرت بگیرید از علمای قفقاز و ترکستان و داغستان که اختیارات حلوگیری بلد که عقد دختران خود را ندارند و شمارا مخاطب کرده بزبان حال می‌گویند

(به ان روز من راستی پیشه کن)

(تو ام از جنبی روزی اندیشه کن)

امیدواریم که علمای سایر بلاد ایران و طلاب دیانت شعار تاسی به صحیح اسلامیه و خلاص خراسان جسته پیش ازین اسلام را مطعون اجاب و ایرانیان را به بحسی و لا مذهبی جلوه‌گر نسازند که باغای دانایان هیچ ملت بدون قائد هیچان مذهبی و ملی نموده و امروزه قاندين ملت ایرانیه منحصر بان موالی است، لذا مسئول بحسی یا العیاد بالله بی‌دبانی ایرانیان شما بزرگواراید و بس

﴿ کشف الظلماء ﴾

معلوم است که در مملکت مشروطه مباحثات و

مجاهدانه در بین رهبران ملت و اولیای امور واقع می‌شود همانا بیشتر در روی اهم امور سیاسی آن مملکت شدت می‌گیرد و اهم امور بحسب مملکت مختلف است، مثلاً در انگلیس قیامت فرقه های سیاسی در سر آزادی تجارت گمرک جان، آزادی ایرلند (هوم رول) قیام میکنند، در عثمانی سر مسئله سکریه و حاکمیت عثمانی ولوله می‌شود، در روسیه روی عنو عمومی مقصرین سیاسی اراضی اوقاف و سلطنتی مجادله شدت میکند، در مملکت متحده آمریکا بالای مسئله استعمار و بیطرفی و پولیکن و دمکرات ها دست بگریبان می‌شود، با بر این در ایران نیز مابست اگر احتیاجی در مباحثات واقع شود معنی است که باید در سر اهم مسائل سیاسی و اریکترین امور حاضره مملکت که محرک احساسات دقیقه مردم است وقوع آید

در حالت حالیه ایران نیز معلوم است که اهم مسائل چیست، یعنی مذهبی است که مهمترین مطالب در ایران مسئله حفظ استقلال و حرز آن و رعایت روابط و مناسبات خارجه و جلوگیری از مقاصد دول اجنبیه و ناخصوص دولتین همجوار میباشد و اگرچه در سایر مملکت دنیا سیاست خارجی جزء صغیر از بلیک عمومی و سیاست دولت و امور مملکت است و قسمت غالب مسائل شاعیه اولیای دولت مسائل مالیه و نظام و اصلاحات اشراری و قوانین عدیه و اصلاحات حال زارعین و عمله و یکاری و بنای فواید عامه و آمادی و تعمیر مملکت است، لیکن درین مملکت خصوصاً در سنوات اخیره مداخلات و نفوذ و تضییقات خارجی و تصرفات شان در همه چیز مسئله سیاست خارجی را شغل شاغل و شامل درصدی نرد مشاغل و مسائل دولتی نموده و اهمیت فوق‌العاده پیدا کرده، هزاران هزار درجه از امور و مسائل سیاسی داخلی بزرگتر و باریکتر گشته، لهذا تمام مباحثات و مجادلات و اتفاقات بدبخت انگیز ایران و ارباب حل و عقد آن نیز در سر این مسائل واقع شده و از امور داخلی بالره چشم پوشیده‌اند، یعنی ارباب مملکت مختلفه سیاسی در سایر مسائل مهمه که خلیل جدال انگیز هم هست (مثل مسئله غارت مال دولت و دخل و رشوه و رؤساء مثل سابق و مسئله پیش کشیدن مرتجعین و مستبدین

مطابق و دادن کارها بآنها و جلب مستشار عالی
تجارچی بادارات وغیره که اسباب اختلاف شدید
بین فرقه ها بود و بعضی طرفدار جلوگیری از دو
شق اول و عجب در ققره سیم بود در صورتیکه
بخشی دیگر مایل باهمال و مسامحه بر حسب اقتضای
وقت و عدم ایراد گیری بدولت در هیچ چیز
بودند (بملاحظه تاریکی موقع و خطر اوضاع می
توانستند در امور سیاست داخلی کاملاً اتحاد نمایند
ولی در مسائل سیاست خارجی ادا انظار مختلفه
طریقی نتوانست مامم وفق دهد، و چون این مسئله
که باستقلال یا زوال وطن بر میخورد از مطالبی
است که در حیثیات و اعصاب و غیرت متمسکین
وطن و ارباب حرارت و حیثیت بی اندازه مؤثر و
هیجان و تلبان آور است، لذا ممکن نبود که گروهی
آمیخته را که محبت وطن خود را جداً بطور قطع و
یقین در آن داشته و عقیده مخالف را طمی استقلال
و سبب انقراض معاذالله می بندارد بخاطر نصیحت
حکام مهم گوی این عصر در تشویق بر اتحاد مهم
دور انداخته و تسلیم عقیده باطل طرف گردد و
هم چنین بالعکس این بود که در دوره مشروطیت
نای مجادله عطیمی و اختلاف بزرگی در سر این مسئله
روی نمود

اما موضوع اختلاف جنان است که همواره در
دول ضعیفه و ملل جاهله که خود داری سیاست
عال (پلتیک آکتیو) نبوده و حسن وطن پرستی
و عشق مملکت داری در آنها نیست نفوذ سیاست
دول خارجه و رقابت انقسامات هیئتهای متحده آنها
در ارباب نفوذ و حل و عقد و صاحبان رفق و
وفاق و مراجع امور تاثیرات مهمه داشته و کشمکش
دو پلتیک متضاد مثل جریان الکتریکی اولیای دولت
و مصادر امر را تجزیه و تقریق عناصر می کنند،
چنانکه از صد سال مابین طرف رقابت دو اقلین روس
و انگلیس رجال دولت، یعنی مصادر منحصره نفوذ
و سیاست را بدو عنصر مختلف (رسوفیل) و
(اسکوفیل) تقسیم نموده همواره شدت و ضعف
دشمنی و رقابت بین آنها اسباب و مقیاس شدت
و ضعف پارتی بازی درباری و کشاکش و مبارزه
این دو دسته گردیده، گاهی امین الساطحه و گاهی

مشیرالدوله ها و - و - پیش میافتادند، تا آنکه از
اواخر ناصرالدین شاه و دوره سلطنت مظفرالدین
شاه تربیت شده آذربایجان سرحد روس، و صادرات
مستقله امین السلطان کم کم موازنه سیاست و پلتیک
بطرفی را از دست داد، و اولیای دولت اندک
اندک سنگینی بدن خود را بر پای جب یعنی بدست
شاه انداختند، امتیازات متعدده طرق و معادن
و غیره طلبکار منحصر بفرود روس و استقراض
(۲۷) ملیون و نیم منات بموجب مقاله های (۱۹۰۰)
و (۱۹۰۲) و تغییر تعرفه گمرکی و هزاره سرب انگاریهای
دیگر اسباب تصالی و ترقی خود بکطرف و سلب
اطمینان و تزلزل خاطر طرف دیگر گردیده از
تاثیراتش در داخله هم امین الدوله ها تبریز، ناصرالملک ها
بکردستان - حکیم الملک ها بگیلان تبعید، اختیارات
ظلم السلطان سلب و امین السلطان مقتدر و مستقل شد
تا کم کم کار محسوس رسید که بواسطه اختلافات
عظیم سیاسی و اقتصادی که در اروپا میان انگلیس
و آلمان پیدا شده و خوفیکه انگلیسیان از استیلاء
و وسعت نفوذ آلمان از یکطرف و از تسلیم شدن
ایران بروس از طرف دیگر داشتند بنای اتحاد بروس
گذاشته و کم کم بر صمیمیت و استحکام آن افزودند
تا هر دو وجود واحد و هوید واحد شدند - در بصورت
معلوم است در ایران نیز (رسوفیل) و (اسکوفیل)
مضای خود را گم کرده و هر دو دسته چنانکه
برای العین می بینیم دسته متحدی باسم (آنتانوفیل) یا
طرفداری نفوذ و تقدم دولتی و مصدق اتحاد آلمان
تشکیل دادند، زیرا سیاست عالم شکل دیگر گرفته و
رقابت دول بتزیب دیگر افتاده مسائل عالم و مقدرات
ملل باز بجهت پلتیک دو دسته مخالف باسم ائتلاف
مثلت (بواسطه التحقیق ژاپن ائتلاف مربع شده)
و اتحاد مثلت (که شاید از اضمام عنای اتحاد
مربع گردد) گردید - و این دو قوه عظیم دنیا
و دو جریان جسم در کافه دول عالم از بزرگ و
کوچک، شروع باجرای نفوذ و تحاذب و تدافع کرده
دسته بندیهای متقابله در تمام روی زمین بعمل آورد،
و هر یکی از ملل صغیره بملاحظه خوف وجود و
واقع شدن در تحت خطر ببری یا بهری یکی از
دول بزرگ و یا بسبب نجاس و روابط ساخته اش

میخواهند در مقابل ائتلاف مثلث سه دولت بزرگ اروپا (روس و انگلیس و فرانسه) که امروزه قدرتی در عالم مقابل اینها نیست و دولت بزرگ دنیا از آنها حساب میبرند مقاومت کرده و مبارزت نمایند. ولی بیارز وافر مزبور فراموش کرده است که بگوید در مقابل قوای دول ائتلاف مثلث که یا قوای کل اعظم و بزرگان ایران نیز متحد است مقاومت میکنند. واقعا چه جنونی است اما جنون وطن پرستی هم چه باید کرد که یکی از امراض صعب العلاج است. ملک المتکلمه مرحوم دو زمان شهادت این ملت را خواهد

(کاش کشوده بود چشم من و گوش من)

(کافت خان من است عقل من و هوش من)

• راه آهن یا غیرت تجار ایرانی •

روزنامه شمس مینویسد - بنا بر اطلاعات مخصوصه تجار طهران شرکتی تشکیل داده و امتیاز راههای آهن داخله را بنام شرکت استحصال نموده اند - شرکت مزبور یک ملیون اسهام در آورده و هر سهم عبارت از پنجاه تومان خواهد شد -

• جبل المتین •

اگرچه رسماً هنوز تحصیل چنین امتیازی با نرسیده است، ولی از غیرتمندی تجار غیور ایران و دانشمندان این دوره. تجسم این خیال عالی و تشکیل چنین کپانی را بعید نمیشماریم. چه از چند ماه باین طرف تمامه ایرانیان دانستند که تمام تضییقات خارجه و مناقشات سیاسی آنها در سر راه آهن ایران است و تا این طعمه لذیذ بین گرگان حریص موجود باشد از یاره کردن بیکدیگر وحله با باز نخواهند آمد و ممکن است در رقابت این گرگان حریص لطمه شدید به استقلال ایران هم وارد آید.

مکرر نوشته بازمی نویسیم ایرانیان اگر شرف دارند، استقلال می جویند، از اسارت اجانب می ترسند ناموس خواه و اسلام پرستند نگذارند راه آهن مملکتشان بچنگ احباب بیافتد و بدانند که ازین و بعد ایران بدون راه آهن نتواند ماند، اگر خودشان سازند خواه بخواه دیگران خواهند ساخت. پس امروزه بزرگ ترین دفاع در حفظ استقلال وطن محبوب مانا تشکیل چنین کپانی و فوراً شروع کردن به تعمیر راه آهن است

این نکته را هم نباید از مدنظر دور داشت که اگر اساس صحیحی برای یک چنین کپانی برقرار آید در عرصه پنج سال یا بیشتر جمع سرمایه او در داخله دشوار نیست، و هنوز هم عقیده ما آنست که امروزه نه ایران محتاج با استقراض جزئی از خارجه است و نه اشکالی برای جمع چنین سرمایه بشن تواند آمد، فقط یک هیئت ساده را باید با ملت تصادم داد و هنوز انجام این دو امر که عبارت از استقراض داخلی و تشکیل چنین کپانی باشد جز بریاست و مدیریت مستخدمین خارجی صورت نگیرد و حساب آنها از امریکا بهتر از سایر ممالک است و چنان تصور می کنیم اگر تمکین یک چنین کپانی اردهی بمنت بشود و فقط حضرت ناصر الملک که کاملاً محل اعتماد ملت اند تصدیق بصحت اساس آن نمایند، برای اعتماد عامه و پیشرفت این مقصود کافی تصور می شود

باز هم با آواز بلند میگوشیم و حیح طبقات ایران خاصه مقام منبع ریاست روحانی اسلام را مخاطب ساخته عرض می نمایم، که رشته استقلال ایران مربوط باین راه آهن است، یعنی اگر خارجیان ساختند قطعاً بتدریج استقلال ایران محو خواهد گردید و هرگاه خود ایرانیان مردانه ایستاده و جداً در تعمیر راه آهن کوشیدند کوی سعادت و استقلال ابدی را خواهند بود و هر ساعتی که ایرانیان در این موضوع اهم تقاعد و وزند خطر استقلال وطن خودتان را نزدیکتر کرده اند و ممکن نیست تا چند سال دیگر خارجیان بگذارند ایران بدون راه آهن ماند، خواه به دوستی باشد یا دشمنی راه در مملکت ما خواهند کشید و بهمان وسیله استقلال ما را خاتمه خواهند داد.

امروزه مناقشات انگلیس و آلمان و توجه آستریا و فرانس و ائتلافات روس و آلمان تمام مبنی بر همین راه آهن است، اگر ایرانیان قبل از ختم این مناقشات و فیصله امور بین دول (که خیلی نزدیک است) جداً به تشکیل کپانی مبادرت نموده و شروع تعمیر به راه آهن نه نمایند بدون حرف خارجیان اقدام در این عمل خواهند نمود، و عتفاً هم با خواهند قبولانید مقام منبع ریاست روحانی اسلام راست که در این موضوع که اساساً استقلال ایران را در بردارد پیش از سایر موضوعات همت و فعالیت بخرج دهند و بهر وسیله که ممکن شود تجار محترم و

سپاسگواران و وفات را از هر طبقه آماده نموده به تشکیل چنین کبابی و تعمیر فوری چنین راه آہنی قیام فرمایند کہ آخرین نقطہ مجاہدات آن موالی و سایر مجاہدین ایران برای استقلال این مملکت اسلامی متسی بہ تشکیل چنین کبابی و تعمیر راه آہن میشود ورنہ کلیہ مجاہدات و جانفشانیا و خسارات جانی و مالی از دورہ آیۃ اللہ مہرزای شیرازی قدس سرہ تا امروز ہما و ہدر خواهد شد ، ایرانیان راست کہ ولو بفروش لباس خود و رسیدن از قوت لایموت خویش باشد در شرکت این کبابی کہ در حقیقت شالودہ استقلال وطن محبوب شایستہ روی وی نہادہ شدہ کوتاہی مینماید ورنہ بیاید خدای ما خواستہ روزیکہ کف افسوس ہم سایید و سودی نہ برد و این تیریسے است کہ اگر از شصت رہا شد باز گشتش محال اندر محال است

قتل ازورنامہ شریعہ شمس

یکی از خبرنگاران طهران مینویسد،

سیر روس چند روز قبل در منزل علاءالدولہ در حضور سپہدار اعظم و سردار اسعد گتہ است تمام این خرابیہائی کہ در مشروطہ سابق و این دورہ برای ایران پیش آمد ازینست کہ ایرانیان راہ را کم کردہ نمیدانند چہ میکنند ، بجای آنکہ با دولت روس اتحاد نمودہ بصلاح و سواب این ہم سایہ خود کہ در نفع و ضرر باہم شریکند اعمال خود را مقرر دارند ضدیت مینمایند ، بطوریکہ علناً مخالف و ضدیت میکنند کہ اگر از سقارت روس بدولت ایران گفتہ شود وقتی نشنہ شدید آب بخورید از تشنگی می میرند و آب نمیخورند - مثلاً از طرف دولت روس از ابتدای دولت جدید مکرر گفته شد کہ محبر السلطنہ لیاقت ایالت آذربایجان را ندارد یک نفر آدم لایق کافی مقتدر نفرستید - دولت ایران فقط محض ضدیت با دولت روس متجاوز از دو ملیون بخود و ملت خود ضرر وارد آورد آذربایجان را خراب نمود و یک نفر آدم کافی لایق بانجا نفرستاد ، استقرار با آن ترتیب صحیح را اگر کردہ بود حالا ایران از حیث امنیہ ، نظمیہ ، ژاندرم مثل یکی از دول بزرگ بود فقط محض عداوت دولت ایران از منافع محروم شد - ایرانیان نہ خود میدانند و میتوانند امورات خود را اصلاح کنند و نہ معاونت

دیگری راضی میشوند کہ کارهای آنها اصلاح گردد - اگرچہ میتوان گفت عموم ایرانیان باین سلیقہ نیستند بلکہ غالب مردم طبعاً سایل بانحداد و اتفاق با دولت روس و طالب آسودگی هستند شنبدم در موقی کہ اهالی فزویں و تبریز شنیدہ بودند کہ قشون ما میخواہد برود ملول میشوند و باہم میگویند اگر قشون روس برود امنیت منسلب میشود -

فقط یک عدہ در طهران و آذربایجان هستند کہ اسباب اختلاف مینمایند و این خیالات طولانی را در سر مردم تولید میکنند و مردم را بصدت با دولت روس دعوت مینمایند ، امیدوار بودیم کہ این مجلس برخلاف مجلس سابق یک مسلک اصلاح طلبانہ قبول نماید ، بدبختانہ باز بعض آمارشی ، انقلابی ، داخل مجلس شدہ مجلس را خراب و روابط دوستوچندین سالہ دولت امپراطوری را از ایران مقلوع نمودند - کان میگردم پس از رفتن ققی زادہ مجلس از تحت فشار عدہ انقلابی خلاص خواهد شد و تغییر مسلک خواهد داد - می بینیم این افکار ماطل طولانی نہ بطوری در کلہ ما جای گرفته است کہ باین آسانی محو شود - متعجبم کہ چطور اسباب بدبختی برای ایران پیش می آید -

در مجموع کہ مملکت ایران دچار این بحرانت سزاوار بود یک آدم مال اندیش اصلاح جو مثل ناصر الملک وزیر خارجه باشد - متاسفانہ مثل نواب آدمی وزیر خارجه است کہ تمام مناسبات و روابط چندین سالہ ایران را از دولت امپراطوری قطع ساخت و هر روز از سوء تدبیر برعلت می افزاید - این شخص این قدر نفہمیدہ است کہ اینجا طهران را وزیر خارجه ایران است خودش را وزیر خارجه انگلیس و طهران را لندن فرض کردہ است - دیپلوماسی بخرج میدہد با بوتیک کارها را میخواہد اصلاح کند - ایرانیان نہ از نصایح دوستان خود نہ از انقلابات روزگار متنبہ میشوند و نہ حرف عقلاء خود را مجزی میخورند - در سایر نقاط دنیا بقاید روزنامجات بزرگ خیلی اہمیت میدہند مندرجات و مسلک یک وورنامہ را علامت افکار اهالی آن مملکت میدانند ، روزنامہ شرق کہ اول روزنامہ ایران است تا چندی قبل طرفدار مجلس

و حامی انقلابیون و خود را فدای پارتی تقی زاده و روزنامه خرد را وقف طرفداری این اشخاص قرار داده بود. همین که دانست این ملک مضر بحال ایران است فوراً تغییر ملک داده. ملاحظه کنید امروز چه مینویسد چه طور بر ضد همین اشخاص و همین ملک فریاد میزند و میگوید این مجلس مخرب ایرانست.

من از طرف دولت خودم بشا دو سردار میگویم مادامیکه نواب وزیر خارجه و این ملک در مجلس حکم فرماست رابطه دولت امپراطوری از دولت ایران مفلوج خواهد بود.

خرابی ایران فوق العاده شده نزدیک است که عقلای دنیا منتفا بگویند ایران مرمت و اصلاح باید بشود. امروز در ایران يك مركز معين دیده نمیشود. در هر شهر ایران چندین مركز حکم فرماست. این کثرت ادارات، انجمنهای ایالات، وضع مجلس، عدم اطمینان قلوب عامه، اختلالات ایران را بجای خوبی نمیکشد. برشا دو نفر سردار لازم است کوشش کنید هرچه زودتر باین حوادث حائمه داده شود. يك فکر اساسی برای این مملکت بکنید. اگر در ایران يك هیئت مدیره تشکیل میشد و رشته امورات را بدست میگرفت و حکم روائی را اقلأ يك سال منحصر بخود میکرد در نهایت محله امورات را اصلاح، ترتیب نظمیه، امنیه، ژاندارمری، راه آهن، تاسیس شرکت معادن و سایر چیزها که برای مملکت لازم است میداد و این اشکالات مرتفع میشد.

حبل المتین

سفارت روس یا خود خیلی خام و یا رجال ایران را هم تصور کرده با این سخنان و خیرخواهی تهدید آمیز باز هم میخواهد با رزوهایی فاسده خود بگردن ایرانیان سوار شود، عجیب آیا از يك قرن باین طرف روسیان نسبت با ایرانیان کاری کرده اند که سبب اعتماد آنها شود؟ آیا تهدید ملت باین سخنان بی مغز ممکن است؟ چه گناهی میتوان بر محبرالسلطنه فرما فرمای آذربایجان وارد آورد جز اینکه به تجاوزات غیرقانونی روسیان مانند حکام دوره استبداد، تن درنمیدهد؟ نواب وزیر خارجه چه تقصیر کرد مگر اینکه میگفت دولت روس باید بمواد

عهدنامه جات عمل نماید؟ تقی زاده در وکالت خود جز اینکه بخلاف تجاوزات بیگانگان بود چه قصور ورزید؟ سفیر روس دوباری مانند دربار مظفرالدین شاه میخواهد و وکلای مجلس را هم تالی آنان می بنند. تا آنچه میخواهد بکنند و آنچه بگویند بشنوند. ولی همین قدر بفرموده موصوف از عقاید ایرانیان اطمینان می دهیم که بزرگ ترین تعریف حضرات فوق الذکر تکذیبی است که سفارت بنامی از آنان مینماید.

(آنکه مضروب تو باشد بالیقین محبوب ماست)

اما اینکه غیر میگوید اهالی قزوین و آذربایجان از شنیدن حرمت قشون ما نادمخوش شده اند سخنی است که اطفال غیرمبزر را هم نمخند. می آورد فریاد ها و پروتست ها و جنبش هایی مندمدانه اهالی غیور آذربایجان و قزوین در قیام و زیادت های قشون روس با الاصله در تکذیب این قول کافی است. البته رحم خان های نوعی و داراب بمزاهای مصنوعی که موجودکی قشون روس را پشت و پناه شرارت خود قرار داده اند ممکن است از اخراج قشون روس دلخوش نباشند. سفیر روس باید بداند که این دوره غیر از دوره مجلس اول است که بيك تهدید توخالی سفارتین و علاء ماس هارا کیه انداخته طوق عبودیت را بگردن اندازند فرضاً تقی زاده و محبرالسلطنه و نواب هم از سرکار دوو شدند چه توان کرد با طبیعت زمان که مانند آنها بلکه سخت از آنان را هر آن در ایران تولید میباید، ایرانیان طالب دوستی همایگان خود هستند ولی دوستی با شرف نه دوستی که اساس استقلال آنها را مهدم سازد، اگر دولت روس تحجیب ایرانیان را خواهان است بدو باید قشون خود را خارج و از دخالت های بیجا صرف نظر نماید. دوستی را با سر نیزه بملقوم يك ملق نمیتوان فرو برد و این دوره دوره نیست که حتی بوخشیان افریقا هم بتوان تکلیف نفهمی نمود. در ختم کلام همین قدر سفارت روس را متنبه میکنیم که دربار استبداد سپری گردید آرزوی آن دوره که حاکمیت مطلقه روس را گردن نهاده بودند بیجا است و روس آنچه در دوستی ایرانیان میتواند قانده حاصل میکند در دشمنی آنها او را غیر میسور است.

تلاکراف رؤساء ایل جلیل شاهسون

(به دارالشورای ملی)

از اردبیل

مقام مقدس دارالشورای گبرای ملی شیداقته ارکاه
 در العین محترم دستخط مبارک حضرت آیت الله
 مدظلم السالی را زیارت کرده از او انه و احکام
 حضرت آیات الله مسیوق شدیم، اگر سابقاً از جوانها
 و نادانهای این جا کران سرحد نشین دولت بعضی
 حرکات ما شایسته سرزده، حال مدتی است ما آقای
 وشیدالملک سردار حکمران خودمان بکلام الله مجید
 قسم یاد کرده ایم که هیچوجه از حکم او بیای دولت
 و اطاعت حکومت تمرد ننمایم و در اجرای احکامات
 دولت جان نزاری نمائیم تاچه رسد با حکام حضرت
 حجج اسلام که از فرایض مذهبی است، ما طوائف
 شاهسون تا جان در بدن داریم راضی نخواهیم شد
 دول مسایه هیچوجه مداخله نامور دولت غایه
 ایران نمایند برای هر قبیل دماغ و حامشای حاضریم
 و منتظر امر

بروتست جامعه ایرانیان

(بهوالم اسایت)

دولتین روس و انگلیس بعد از تقسیم خیالی
 ایران در سنه ۱۳۲۴ به پاهای نامشروع دحالت
 های استقلال شکنانه در امور داخلی ایران می کنند
 هر روز يك عنوان خود درست کرده بی مره بدست
 آورده یاد داشت هائیکه استقلال ما را تهدید می کند
 بدولت پیش می کنند، عجبی گاهی در تغییر تبدیل وزراء
 تحکم دارند، گهی عزل حکام ابراش دوست را
 مطابق می نمایند، طبع استقراض دولت میشود در
 صورتیکه خودشان برای چهار کرور شرایطی قرار
 میدهند که هیچ ملت بی حسی هم قبول نمی کند تا
 چه رسد با ایرانیان ! در آوردن مستشارهای خارجی
 برای همین نظم و امنیت که می مطالبه می کنند تهدید
 بدولت میکنند، و هزار کارهای دیگر ! آیا ایرانیان
 مرده و دولتین وارث آنها شده اند آیا ایرانیان
 مجنون یا نا بالغ می باشند که دولتین وصی و قیم
 شده اند؟ هیچکدام نیست ایرانیان زنده و بالغ
 با نهایت استقامت در تنظیم مملکت خود میکوشند،
 ولی ترقی و نظم ایران ضرر دولتین است آنها
 ماضی حال ابراش و اسلام را خواهانند ! آنها

نی تواند در میان هندوستان و قفقازیه دولت مقتدر
 ایران را به بیند، آنها تصور کرده اند شصت
 کرور ایرانی را اسیر خود کردن آساست ! برنام
 عالم ثابت شده تمام اغتشاشات ایران نتیجه تحریکات
 و اقدامات دولتین است، وجود رحیم خان را در
 قراچه داغ منای پلنیک خود می بیند، بشرا رتش
 و ادار، همینکه بیک تیر چند شافت زد، دایه
 مهران تر از مادر میشود ! قمره داراب میرزا و
 وعیرها آشکار میکنند که دولتین مایع احرای نظم
 و محرك اغتشاشند. بشاقت تاریخ برهم انصافان
 عالم اسایت و بخود بر آیان رس است ! دولتین
 سامای دراز است در مقابل ترقی و بیداری ایران
 بانواع مختلف مانع تراشیده نگذاشته اند اصلاحات
 در ایران جاری شود ! همراهی بونیکوی روسها با
 مستبدین و انگلیسها با مشرومین در این چند سال
 اخیر مطالب و آشکار رد هم مستبدین فیهبند
 دولت روس عاشق چشم و ابروی آنها نیست و
 بدون عرض همراهی نمیکند، هر دو طبعی دانستند
 که دولت انگلیس بحسبه تمدن بوده جز اجرای
 مقاصد خود منطوری ندارد مدتی بحیال خود مارا
 آله دست خود قرار داده بد تجاوزات دولتین
 بحقوق مقدس ما و یاد داشت های بی درپ آنها
 برده را ادر روی اعمال آنها برداشت، چون دیدند
 ملت ایران دیگر فریب تیر سکا آهارا نمی خورد
 و مجلس شورای ملی و وزراء دسترد به سینه آنها
 زده هیچگونه مقاصدشان پیش نمیرود سا گذرده
 اند به زور و شوق دست مقاصد خود را بعمل
 بیاورند چنانچه در شهر شوال گذشته دولت انگلیس
 به مشورت دولت روس یادداشتی بدولت ما بشهاد
 نموده که : اگر تا سه ماه دیگر جنوب را امن
 نکنند بتوسط صاحب منصبان انگلیسی و در صورت
 لزوم با قشون هندی به خرج دولت ایران خودم
 امن می کنم ! مثل است مشهور (حقلی در بل
 کاکا سیامی گریه میکرد کاکا هرچه سی در اسکات
 او می عود آرام نمی شد صاحب دلی گفت این از
 خودت می ترسد) عجبیا حرکات دولتیکه خود باعث
 نا امنی است آنها خودشان محرك اصلی اغتشاش ایرانند
 ما بخوبی میدانیم این یادداشت های نو حلی برای
 نوساندن ما و تحصیل مقاصدشان بزور و شوق

دست است ، ما با آواز مظلومانه بلندی که تمام عالم انصابت را آگاه کند عرض میکنیم ، تا قشوق اجانب در ایران است ، تا دولتی دست از دخالت در امور ما نکشند ، تا ما را بحال خودمان نگذارند که با سودی خرابیهای دوره استبداد را اصلاح کنیم ممکن نیست نظم و امنیت حقیقی در ایران قائم ماند ، ممکن نیست ملت تازه بیدار ایران موفق با اجرای اصلاحات بشود . قرض میخواهیم بکنیم نمیکذارند ، مستشار بیاریم مانع میشوند ، اجرای اصلاحات بکنیم مشکلات می تراشد ، اشرار را می خواهیم تنبیه کنیم حاسی و نگهبانان میشوند !

دولتین اگر حقیقتاً نظم و امنیت ایران را طالبند برای نکت نجاتشان بقول خودشان غصه میخورند چندی قشوق خود را پس به کشند ، بکارهایی ما دخالت نکنند ، یادداشت های ضد استقلال را قدری موقوف دارند ، تا ما از داخه یا خارجه قرض کرده مستشار خارجی بیاریم ، مملکت خودمان را منظم کنیم . دولتین خوب است ملتفت این نکته بشوند ، که هندوستان ، قفقازیه ، مصر ، ترکستان ، افغانستان ، فلند و غیره از اسارت و ظلم آنان به تنگ آمده ، چنانچه اخبارات خبریه مد در فکر استعلاص خود از چنگال استبداد آنان میباشند ، ملت ایران که شش هزار سال است به آزادی زهدگی کرده ، سلطنت ملی داشتند ، آقای خود بوده ، بارها در مقابل تهاجمات گوناگون ایستادگی کرده ملیت خود را از دست نداده در قرن بیستم که حیوانات دنیا هم آزاد شده اند اینها تن باسیری و بندگی و علای شایع نمیدهند ، اربابان هزارها جان کور و مال فدا کرده اداره مطلقیت را طوماروار در هم پیچیدند باین آسان گرفتار استبداد و ظلم شایع میشوند ، اربابان وطن و مذهب خود را حیل دوست میدارند باین تعامیهای ظامری فریفته شوید در موقع خطر اربابان زرگ و کوچک عنی و فقیر شهری و ایلات ایوان و گدا برادروار دست اتحاد بهم داده از بدیهای خود در جلو دشمن سد خواهند بست . ما اربابان نورت خود را از طومار توهم قشور روس بتمام آدهای دنیا اعلام میداریم همچنین از یادداشتهای بی دربی دولتین خصوص از یادداشت اخیر دولت فخریه انگلیس برتست کرده

نظر توجه ملت های آزاد عالم انصابت دنیا ، سوسیالیستهای دنیا ، امپراطوران عظیم الشان بالانصاف عالم ، ملت آزادی خواه نوع دوست روس و انگلیس خصوصاً امپراطور مقتدر آلمان و عثمانی را با جحافات چندین ساله دولتی جلب کرده عرض میکنیم ، آیا در قرن بیستم ، تمدن و انصابت شما حقوق و قوانین بین الملل ، بدولتی روس و انگلیس اجازه میدهد در راه ترقی ما ایرانیان سد های تجاوز کارانه کشیده نگذارند ما امور داخلی وطن خود مان را اصلاح کنیم ؟ آیا هر دولتی قوی شد یک ملت تازه پروری در این قرن باید باین فاسنی زور بگوید .

ای وکلای پارلمنت های عالم که بر ضد تجاوز روس به فنلاند برتست های شدید میکنید آیا مگر همین دولت روس به راهی دولت انگلیس آزادی ما را مختل نمیکند ؟

یا اینکه شما نوع دوستان هنوز میگویند چون ایران مسلمان است باید او را بر فشار ظلم و تجاوز گذاشت !

بتاریخ ۲۷ ذی قعدة الحرام ۱۳۲۸

غره دسامبر ۱۹۱۰

هیئت از اربابان

(نقل از روزنامه شریفه سرورش منطبعة طهران)

حفظ تفکیک قواء

یکی از بزرگ ترین امتیازات دولت مشروطه بر حکومت استبدادی این است که در این حکومت ادارات و وزارتخانههای دولت منحصر است به عده محدودی از مقامات بی اساس که مرکب از وزیر و منشیان او و غیره که در حرفت دستگام سیاسی از روی اراده شخصی به توبه و حل و عقد امورات ملکی مشغولند

اما در دولت مشروطه قضیه برعکس و حکمرانی یک طریقه مخصوص دیگری دارد و بعضی اینکه به ترتیبات دول متدیده نظر انداخته ، خلاصه زحمت و تجربیات چندین قرن اروپا را ملاحظه کنیم و گذشته و حال را بدقت بنگریم می بینیم که دستگام یک دولت مشروطه بحکم تاریخ و تجربه بدستگیری عقول کامله علمای دنیا که امروز هم جاری است مجلا و اساساً باین شکل تشکیل میگردد

قوه مقننه، قوه قضائیه، قوه مجریه در صورتی که دولت های جاهل مشرقی از این تمبیه های بزرگ نفید بکلی محروم بوده و حق تا چند سال قبل، آهنگ این سه کله هم بگوش مردم مشرق نرسید

آخر عبرت زندگی اختلال امور شیوع ظلم و فشار ظالمین و ضرورت ترقی اهالی ایران را هم اندک محبتش آورده بیدار نمود. و بواسطه نشر افکار و مکاتبات دول اروپا مگر آسودگی ورهائی خود از جنگال قاهره ظلم اتساع تا مگر قوانین حیات بخش اسلام را که بسبب شاعت حرکات اولیای ظلم و عدم دیانت و سوء اعمال برخی از حافظین آن از حیت حرمان افتاده بود دوباره بموقع احراء گذارند و ترتیبات تازه دنیا را که عبارت از دوایر جدید و هیئت مقصد و قصا و اجرا باشد کسب و ایجاد کنند بدی است که فرود ترقیبات محیر العقول درنگستان و ظهور آثار فوق الطبیعه ممالک مغرب بیشتر ایرانیان را طرف تهدید قرار داده بجهت حراست خانه خود و همسری با سایرین هارا بقبول این اوضاع واستقرار یک اساس عدای مجبور می ساخت

لکن اکنون که مدتی از مدمه بیداری و ظهور مشروطیت ما میگذرد اگرچه انقلابات لازمه خود برستی و زیاده رویهای اعلی از مردم افسار گسسته کارهای اساسی ملک را عقب انداخته و هر روز مارا بیک حمله و دفاع تازه دچار مینمود ولی بد بختانه ما هم آندر که امکان داشت در اصلاح امور خود لیاقت و بی غرضی بخرج نداده ایم و هنوز دیده میشود که دوایر دولتی ما صاحب یک اساس مطمئن نشده است که بتوانیم از افتخار ظهور اشخاص خوب بیرون بیایم

همینطور که هزار سال عقب آتوشیروان عادل می گذیم امروز هم در کوچک ترین محافل ایران که می نشینیم از یک وزیر دانشمند درست کار از یک وکیل آگاه امین از یک قاضی با وجدان فقیه و از یک مدیر کافی حرف می زنیم و وجود هر یک از آنها را که جامع کل صفات حمیده و دافع تمام اوصاف رذیله باشد آرزو می نمایم

چنانچه آتشر کنیم و ادراک نداریم تا ملت

شوم ما که در مدت ده قرن نتوانسته ایم یک پادشاه عادل از درون زمین یا شکم آسمان بیایم چگونه ممکن است هزاران آدم لایق کافی درست کار راست کردار پیدا نمایم

حال آنکه در صنایع تاریخ دیده ایم یک نفر پادشاه استبدادی هم که از انسانیست حتی و از دیانت بهره داشته همیشه با یک سلامت و سلطون که واجب الامراء همی بود بکارداران خود سارش رعیت را مینمود و آنها را بعدل و داد مأمور میکرد

اما باز ظلم مثل سابق خود روح کای گرفته و بلکه باسم همین امر شاهنشاهی که در حفظ و حراست ثغور مملکت و اجرای عدالت در باره رعیت صادر میگشت هزار قسم شاعت کاری دیگر بروز مینمود

پس از این همه هیاهو ها و خون ریزی که میسین ترین دهکده ایران را براگنده و از پیکر های نازنین اهالی صنحه و طرا را لاله زار ساخته است نه برای آن بود که ما اشخاص خوب پیدا کنیم، چرا که آدم خوب پیدا نیست و نیکی و زشتی جزء اخلاق است دیدنی و شنیدنی و لمس کردنی نمی باشد بد از هزار گونه تجربه نیز اگر بخواهیم آدم خوب پیدا کنیم و زحمان خوبی آنها را بقراین حسن نمایم منها یک نفر یا ده نفر بیایم و این عده هم در صورتی که یافت شود و ما در امتحانات خود خط نکرده باشیم تازه بدر هموم میخورد

بنابر این سررشته داری و اداره امور مملکت یک اسباب دیگری میخواهد که ملاحظه نکات اخلاقی از قبیل درست و راستی انانیت یک جزء از شرایط آن است و ما بر سر آب آفتاب خسارت کشیده و هنوز هونق نگشته ایم، آن اسباب عالی که میتواند ما را از انحصار اشخاص خوب با مسلک خلاص کند کدام و بچه وسیله میتوانیم آن را ابداع نموده و مریا سازیم؟

این اسباب که نتیجه ونح و زحمت عقلای دنیاست و بوسیله ابداع و تجربه سیاسی دانهای شصت قرن فرنگ بدست آمده و بحرب واقع گردیده و از برکت آن دنیای مغرب خود را باین سباحت و منظر و آرایش و زینت متحیر کننده نشان میدهد همان

سه کله است که در فوق و قبل دستگیر کرده و می کنیم
 قوه قانون گذاری، قوه محاکماتی، قوه اجرائی، یعنی پارلمان، محاکمات و وزارت خاهای دولت، گذشته از انتظار مردمان نیک سرشت عبی و انقلابات خود سری افسار بریده گان، دیگر چه وای و وحیات تعویق انجام مقصود اصلی ما یعنی تأسیس و استقرار و تنظیم لوازم این سه کله را فراهم کرده است، چور مشروطیت ما بدو دوره قسمت شده مواعیر بدو قسم منقسم می شود
 در عصر اول بزرگترین مانع شخص پادشاه بود چه ترتیبات تازه بر او گران می آمد و همیشه بفرمان مخالفت می یافتند و وزراء او هم بواسطه تدلیس و دوروش که میخواستند هر دو طرف را نگاهدارند بیشتر بخیالات فاسد پادشاه که قوی تر بود کک می نمودند

بعد از شخص پادشاه و وزراء مانع بعضی وکلاء بودند که از وظائف خاصه خود تخلی کرده و یک وکیل در یک شب دور خانهای رجال ایران بر سه زده و بجهت تهدید و جلب منافع شخصی بستن مر از متمولین طهران را ملاقات نموده و در هر ار گوشه شهر کبته های سری بر پا می ساخت و آن چند دقیقه را هم که بمجلس می آمد با لقاء عالی و تهیه وسائل تحریک و تهیج می برداخت و گامگاه هم اوقات خود را در یک کبیسونی بخواندن عرایض ستم دیدگان ایران که از راههای دور و نزدیک میرسید مصروف می نمود

و الحقیقه شاه و وزراء و وکلاء و ملت بچاره هیچی با هم طرف و مشغول دفاع بودند، با وصف همه این معایب بواسطه مقابل کشاء در جلو مجلس می کرد و متصل بعیب جوی مشغول می بود، اغلب وکلا بدون هیچ ملاحظه اساسی فقط لایداً و اقل آن ها بواسطه وطیفه شناسی چند کتابچه قانون اداری و بعضی لوائح قانونی را تمام و تهیه نموده میخواستند کاری از پیش بر دارند، که از طریق آتش فتنه مشتعل و پارلمان بنوب بسته شد اما زهی اندوس که در عصر دوم یعنی از ۲۳ جمادی الاخر باین طرف با اینکه طرفهای نفاق بکلی از میان رفته و دست و بال ظالمین درهم شکسته،

کلاً بزیر زنجیر آزادی گرفتار می بودند و مخالفی هم در مقابل دیده نمی شد تا گاه يك میدان عاری و مبارزطلی بروز کرده اولیای سیاه روزگار ابرار را بخود مشغول ساخت

از آنجا که القاء نفاق تولید فتنه و فساد و منشاء خود برستی و تبعیض عمومی بطور وضوح بر جامعه خلق ایران آشکار و بلکه گرد کدورت و بی انصافی این خیالات مودی را حیوانات هم استنشاق کرده اند و عبار آن بر شاخ و برگ درختان وطن نیز اشسته و حق رخساره خون آلوده شهدای راه عدالت را در قبور آزادی ملول ساخته است از ذکر آن شرم نموده در این موضوع ساکت هستیم زیرا که محض خاطر ایران و نجات ابرایان از جنگال یوانیک دیگران بفرمانت آنها نیفتاده ایم برخلاف انتظار این دوئیت نمادی یافته باز ما را مشغول دفاع نموده قوای مقننه قصایه و بحریه که باید با کمال ملاحظه و دقت از یکدیگر جدا و ممتاز باشد با هم شریک و مخلوط شدند، بعضی از وکلاء مشغول وساطت، و ملاحظه و خصوصیت وزراء عریب و عجیب و پیرو ترتیبات بی رویه سابق قوه قضا که باید از همه بیشتر مایه امیدواری مردم واقع شود در هم و بر هم و طرف شکوه و ناله و آه و دغان عامه ناس گردید

يك وکیل مشغول کبته سازی، يك وزیر گرفتار دفاع، بکوکبل طرف تعرض، بکوزیر متجاوز، از همه بدتر يك قاضی که بی رویه بدون قانون انتخاب شده مستمسک بفرمان موقتی و درکار محاکمه دعاوی و شکایت مزاکه نیم قرن اخیر بر خلاف اصول حکومت ملی، حکمروانی ایالات هم بیک اساس خود سر راه برهنه کفایت سردمان کهنه متفوق عموم سپرده شده آنها نه برای مصلحت مملکت بلکه برای پیش بینی خیالات شخصی، بدتر از همه مکالمه یارنی های مختلفه بمشاجره کشیده بیک وضع ناهنجاری منجر گشته برخلاف سایر تقلید هائی که از ترتیبات فرنگ کرده و میگردیم بدون آنکه ملاحظه کنیم در دول متهمه فرق محتمله با تفنگ بیکدیگر حمله نمی آورند اقدام مسلح نموده و بوسایل ظاهری با کلوله بجنک و مغلوبیت یکدیگر مشغول شدیم
 بنابراین این مقدمات قوای عالی بچاره ما بعد از

پنج سال بجائی نرسیده و شاید که یک حالت وخیم
خری پیدا نمود و بدون قانون اختیار از دست یک
وزیری سکه خودش بود و قلمدانش با دو نفر
حنسی با آزادی بدون قانون و تفسیر حمانهای بی علم
که در جهسات با قدما شریک بود. بعلاوه تجربه
نداشته تسلیم گردید و اغلب باوجود نداشتن اخلاق
حمیده و کفایت لازمه در امور مملکت سوء اخلاق
جولانی نمود

وکالت ما وزارت قاضی با مجری مشتبه شده،
دوایر دوات گذشته از اینکه روی یک اصلاح اساسی
ندیده از اشخاص متفرقه که ملت مستمند آرزوی
خوب آنها را داشت بر شد که باسم مقررات قانونی
اینها در اطراف میزهای بدون قانون جمع کرده
و بارگران سکه بودجه را تهیه نمودند بموض
آنکه اعازن نموده پس از امتحان علم و تجربه و
امانت رعایت نکته کسر بودجه اشخاصی را که از
دولت مواجب حقوق میگیرند انتخاب نمایند بی رویه
و از راه خصوصیت شخصی عمده کثیری را در
دوایر دولت متراکه نمودیم و حالا دوات بی بضاعت
ما باید در آن واحد جماعت بیکاره را در خارج
ادارات مواجب داده و یک دسته را هم در داخله
وزارتخانه مقرر می دهد، آیا جهت عمده کسر بودجه
عدم رعایت همین نکته نیست ؟

بالا ترین جهت بد محتی ما این است که امروز
دیده میشود بعضی وکلاء گاهی در امور وزارتخانهها
باطناً دخالت میکنند بعلاوه گویا در قوه قضائیه
سختی که درباره یک فقیر صادر شده فوراً اجرا
گردیده اما یک بزرگوار صاحب مملکت نه یک وقت
در فلان کبیته دو کله از بهمان آقا تعریف کرده و
تعلق گفته در مقابل حکم رضای آسوده و مرفه
است، و از طرف دیگر میشویم مامورین نظمی در
اجرای احکام قضای تملک میورزند، اگرچه ما
نمیتوانیم بگوئیم که قبل از تصحیح اساسی و بهمان
کتاب قانون در روی میزهای عدالت قابل اجرا
بودن احکام خیلی دقت ملاحظه لازم ندارد، اما
اجرای ما خیلی معیوب و کارها در دوایر مجریه
مستطالی ماند

مقصود ما از این بیانات جمله به دستگاه دولت
نهیست، بلکه میخواهیم بگوئیم سکه قوه مقننه قوه

اجرائیه قوه قضائیه حسابی نداریم که از حدود یا
بیرون بماند موافق قانون اساسی هر یک وظایف
خاصه خود را اجرا نمایند

پس درد ما معلوم، دوا معین گردید، آیا
بجهت معنی پیدا کردن مشروطیت و رواج اقتدار
دولت عدل چه باید بکنیم ؟

بدیهی است و باید، عرض، نخوت، و تجاوزات
غالبیت و تشبیهات مغلوبیت را دور ریخته حتی اقوام
زود تر قوای عالیه مملکت را از هم مجزا بنائیم،
این را باید بر خاطر خود بود محرم بنائیم که اگر
اختلاف قوا و روابط مسلکی اولیای امور در
دوایر دولت معدوم و مصحح شده، هر یک با
کمال ملاحظه و بوظایف خود پردازند، فرصت از
دست رفته عما قریب این تبارت برنگ سیاه و یک
سطر جلی در آسمان ایران نقش خواهد شد
(این است جزای ملتی که ایستاده باشد)

و معلوم خواهد شد که دولت دوامت مستبده
مذها یک شکل بهتری و همان مردم افسار گسسته
قدیمند که حکمروائی دارند، قانون و مشروطیت
مکتوب از جنوب

(قابل توجه رؤسای عشائر ایران)

امروز قسمی امورات وطن ما آفتاب شده که
میتوان گول خورد، در اواخر سلطنت ناصرالدین
شاه که در ماهرهای حالیه را در سکرمان حکومت
دادند و رؤسای بعضی ایلات فارس از حکومت فارس
راضی بودند مرحوم قوام الملک را بطهران احضار
نموده نمایانم چه دعای تماشای حسین خان بهلولو
هادر نظام در شیراز خوانده شد که با وجودیکه
فارس ریشه خود مالیات طلبه خود را بدهد فوراً
بای طغیان را بماند اول یک قریه ملکی خود قوام
را غارت کرد اگرچه برای بکم ردد بود لکن
آنادی نگذاشت، حسین تمام سینه و لار احمدی را
غارت کرد، فرما مرما چون اول خدمت و عدوان
حرارت جوانی را داشت تمهید گرتاری او را نمود
بالاخره بجائی نرسید تا آنکه حسین خان بعد از
عزل فرما فرما نزد صاحب اختیار حاکم کرمان آمده
با آن مرحوم بطهران رفت بازاه این حیاتهای
بزرگ صاحب لقب گشت، بهادری نظام شد، چون این
تخریبات نسبت با امورات داخلی بود با هرج و مرج

دولت چندان ضروری نداشت، امروز خدا نخواستہ چشم بد دور غیرت و شجاعت و خون ابرایت ماہا ترقی کردہ ملاحظہ میکنیم رئیس بانک انگلیس را در قریب رفسنجان دزدای بہارلو میگيرند قوام الملك از فارس مثل شہاب قاب خود را رسانیدہ بلكہ بہ بینامات و خطوط و فحش فورا بہارلو را مبيرند فارس و مال رئیس را میدهند، لکن در فارس با وجود حکمرانی قوام الملك و ریاست قشون نصرالدولہ یکدفعہ بہارلو میرود تا پشت بندر عباس همان پسر حسین خان بہارلو رعیت را غارت، قافلہ ہا را تاراج، دہات را آتش میزند و میگوید ما مأموریم برای این کار از آب طرف در این گیر و دار مسایہ جنوب پروتست می کنند ۲ ماہہ اگر فارس را امنیت ندهید من میفرستم قشون از خود فارس گرفتہ امنیت میدہم، خوش بحال شما و غیرت شما، لا محالہ این قشون از بہارلو و عرب خواهد بود یا ایل دیگر معلوم نیست

ایلات **سکہ** باشارہ اہالی فارس را تاراج می نمایند تصویر رعیت بچارہ بندر عباس و فارس و **سکرمان** چیست، اگرچہ ما این ہا را باز بحدس میگوئیم ہرگز عقل تصدیق نمی کند کسانی کہ ملیانہا در خاک باک ایران دخن بردہ در قرن سہ قرن ریاست و بزرگی **سکر** کردہ راضی شوند بوعده های عرقوبی، وطن عزیز و خاک باک وطن خود را کہ سخر بہ گوشت و پوست و خون آباء و اجداد و اقربای اوست برباد دہد و تا ابد لمن چند کرور ملیان ابناء وطن را بر خود گذارند؟

آنچہ در تواریخ و سیر دیدہ و خواندہ ایم ہمیشہ ارازل ترین قوم و گدا های بی اصل جدید النسب کہ از دیانت نیز باک ندارند با دشمن وطن خود ہمدست شدہ وطن خود را بہ باد فنا دادہ، تاریخ ہندوستان را ہرکس بخواند خوب واقف خواہد شد و بالاخرہ محروم شدن آنہا از ریلست بودہ لکن در ایران نیز البتہ این اوقات کسانی هستند کہ فضاہ خور خارجہ یا بدون جلب فائدہ صرف و ذالت و خباثت فطری یا بجهت جہالت کہ شاید چند روزی دیگر استبدادی پیدا شود رشتہ بدست آورند شکم خود را از حرام آگندہ نمایند، و الا ہیچ انسان کہ در اطقہ آن از حرام خلل نباشد ولو مستخدم

خارجہ باشد راضی نخواہد شد کہ اغیار در وطن او حکمران شدہ مادران و خواہران خود را مشاہدہ نماید کہ دست آنہا بدست سالدات روس یا سرباز انگلیس باشد، با اینکہ طاغیہ زودشقی فارسی قرنها در ہندوستان نشو و نما و زاد و ولد کردہ طبیعت آنہا بہندوستانی ہا شباهت ہم رسانیدہ در اخذت مدید هنوز راضی نشدہ کہ زن فارسی در بازار قاش مشغول فحشا باشد خون ابرایت و غیرت آنہا این طور اقتضا نمودہ، از حکومت خواستہ اند کہ زن فارسی حق ندارد در بازار بمبئی قاش از فواحش باشد حق زن انگلیسی هست از فارسی نیست،

در این صورت ما باور نمیکنیم ایلان سردار بزرگ ما کہ نصف اہمدا برای حفظ استقلال وطن ما بستہ بغیرت و ہمت و مردانگی او میباشد بواسطہ یک نشان و لقب کہ نشان وطن فروشی است چشم از تمام حقوق و من برستی و خدمت بدولت و ست خود پوشیدہ خانہ خود را بہ باد دہد، تمام زحمات انسان در این دار قانی برای تحصیل نام نیک در دنیا و اجر خیر در عقبا میباشد، عموم دولتمندان متمدن عالم بالاخرہ مازاد دولت خود را یا صرف مدارس و مساجد و بیمار خانہ ہا نمودہ یا دوراہ استقلال وطن صرف می نمایند، سی کرور مخلوق و ملت ایران در داخلہ و چندین کرور ملت ایران در خارجہ بلكہ عموم شیعہ های روی زمین بلكہ اغلب ملل و دول اسلامی تربیت شدہ کہ امروز برای بیضہ اسلام دلسوزی دارند حواس خستہ آنہا متوجہ بایران است و ایلات غیور ایران و روسای نامدار آنہا کہ در پیشہ های ایران مانند شیرازی خفہ متظارند بیک اشارہ رؤسای روحانی و وکلای مجلس ملی طالی را زیر و زبر نمایند و در راہ حفظ بیضہ اسلام و استقلال وطن از کشتہ شدن باک ندارند و در زمرہ شہداء عالم محسوب شدہ و درعداد (و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون) داخل **سکر** کردند نام ترسوال و ژاپون را بست نمایند

(سخن را روی با صاحب دلان است)

ایلات **سکہ** خوی دزدی و اذیت ابناء جنس خود را ہم رسانیدہ از این موضوع خارجند، جی دزد های بی ناموس میسازند کہ چہ قارت

وقتل نفس کاری ندانند انهم اولئك كالانعام بل هم
اضل سبیلاً

شخصی بود خوابیده آب میخورد ماو گفته شد
این طور آب خوردن دلیل بی عقلی است گفت
عقل چیست، جواب داد بخور بر تو بحث هست،
قومی که به شرف میدانند به ناموس نه وطن نه
اسلام نه حلال نه حرام نه قبیح دزدی نه باز نه
روزه نه دین نه ایمان کسب آنها دزدی و تاراج
دارد مانند بهائم در بیابان ها می گشتند و گفته
می شوند حکم سگ دیوانه و گرگ و شغال را دارند
ای سرداران، ای امرای شایر برای عبرت شما
از کنون تا قیام قیامت همین عبارت آخر مکتوب
سردار زاده افغانی در نمره (۱۷) جلال المنیر در اول
صنحه (۲۰) کذابت است و آن عبارت این است
«ایرانیان زن شده هر قدر با روسها ملایمت
کنند بدتر خواهد شد همان قسم که ما قشون
انگلیس را از افغانستان راندیم ایرانیان باید قشون
روس را از ایران برانند و ره هم مال خواهند داد
هم جان هم استقلال و آن وفق خواهد بود که
همین رجال بزرگ و اعیان کبار و امرای عشائر
باید صاحب منصبان روس را شباه در خاهاى خود
جای داده علی الصبح آب حمام برای آنها گرم نمایند
همین روز سیاه را ما دیدیم تا بزرگ تیرتاز خورد
از جان گذشته گوی سعادت و استقلال را رویدیم»
(در جاه اگر کس است يك حرف بس است)

نگارنده مطلقى از بصره می نویسد

از وقتیکه پیرالملک از ماموریت بغداد منحل
شده تاکنون تقریباً يك سال است که کار بردازی
بغداد منحل است و همه روزه شنیده میشود که
ماموری جنبه آنجا همین شده ولی ماها میگذرد
و اثری از آن موقوفات دیده نمیشود، نمیدانم جنبه
این مسئله فقط الرحالی ایران یا احوال و بی اعتنائی
اولیای امور است اگر فقط الرحالی مملکت را فرض
کنیم می بینیم بسیاری از هموطنان کار آگاه و رجال
بحرب خیرخواه هستند که مهمل و معطل ننسند و
در هیچ وظیفه دخلیل نیستند و دولت و مات از
حسن خدمات آنها طری نمی بندد، و برعکس وظیفه
های مهم بسنده اشخاص جامل کم تجربه واگذار
شده که در هر جا علت مزید احتلال و بریشانی
اوضاع مملکت گشته و اسباب دماغ سوختگی و ناامیدی
اشخاص دانشمند کارداران را فراهم آورده همین
دلفروشی هستیم که مملکت ما مشروطه شده در صورتیکه
از مشروطیت بجزیر از اسم بی مسای چیزی نداریم و
کارهای مملکت بدتر از دوره منحوسه استبداد مشغوش
و در هم بر هم است، مثلاً هنوز امتیاز فضل در کار

نیست و اولیای امور کار برای آدم پیدا میکنند
نه آدم برای کار، شاهد مدعا اینکه چندی قبل يك
نفر جوان ترك كودن نادانی برای ریاست نظمیبه
هرستان فرستاده بودند که واقفاً هر کس او را
میدید و عقل و درایت و اخلاص فرستنده او میخواندند
گویا اولیای دولت و متصدیان امور جراح در دست
گرفته در طلعتکده مملکت کنهکاری میکنند و هر جا
آدم کودن و بیکاره و نادان دیدند او را از میان
افراد ملت بیکچین میبایند و کار های عمده ماو
واگذار می شود که مردم را بیکرتبه از پیشرفت
امور مملکت و اصلاح شئون ملت مابوس سازد
و از طرف دیگر اشخاص درست کارکن را چنانچه
مرض شد بیکار میگذارند،

مثلاً ممتحن السلطنه که در ماموریت اهلیت و ایالت
خود را بدرجه نبوت رسیده و درست از نوبه امتحان
در آمده حال نزدیک يك سال است بیکار گذاشته
و ملت را از حسن خدمات او محروم داشته اند
با این شدت احتیاجیکه امروزه ما رجال فعال
داریم که ایالت و جرزه ممتحن السلطنه قابل اسکار
یست، در ماموریت بغداد بیوعی با مردم سلوک
کرد که صحیح اسلام و علماء عظام و تمام
اتباع ایران تاکنون زمان ماموریت او را بخیر یاد
میکنند و بازگشت او را آرزو میبایند، اولیای
دولت باید قدر اشخاص کافی را شناخته مانند
ممتحن السلطنه و امثال او را باید بیکار گذارند، خطر
ماهیت امروزه که ماموریت بغداد دارد خوب است
لااقل این شخص با جرزه را ماموریت عراق
هرپ معین کنند که دولت و ملت از حسن خدمات
او منتفع شود

بوشهر

دو هفته است نظام السلطنه فرمانفرمای قارس
در بوشهر توقف نموده غالب ایام با صولة الدوله
و منیت الدوله در مشورت و کنگاش میگذرانند
دو روز قبل جماعتی اردو و چند عراده توپ
برای سر کوی و تپیه زار خضر تنگستان
بسمت ارم فرستادند، مشهور است زار خضر قبل
همه نوع خدمات و تعلیم مالیات نموده است، ولی
چون صرفین از بیکدیگر اطمینان ندارند مشکل است
امر باصلاح منجر شود اگر اولاً بنرم تصرف بنادو
تنگستان و سرکون علی دلواری رفته در ضمن او را
نیز گوشالی می دادند نسبت بود، اکنون هم احتمال است
همین قصد در نظر و فعل را وارونه زده باشند
واقفاً هرگاه نظام السلطنه در این حرکت رفع
تهدیات امثال علی دلواری را نمود و عمل قاچاق
را موقوف گردانید و کاملاً بنادو جزو را بنصرف

اداره گمرک داد نیکو خدمتی برای دولت نموده
بعلاوه در جمیع کارها و انتظامات موفق خواهند شد
(ایضاً)

ضیافت ایالت فارس در خانه سردارسلطان کارگذار
و سبب عمده آن معلوم شد که فیما بین بایوز انگلیس
و ایالت فارس چندین دوره بیغام رد و بدل شده که
اول کدام یک دیدن کنند و هیچک راضی با اقدام
نشده نزدیک بوده مسئله لارزد کرزن و اعلاءالدوله
تجدید شود. کارگذار بحجه اصلاح امر و تلافی ایشان
یکدگر در شب جمعه ۱۸ محرم مردو آقایان را در محل
خود دعوت بخوردن شام کرد. چون روز پنجشنبه
باران بود عریب بچشنبه در حایکه ماران شدت
می آمد آقای نظام السلطنه از عمارت مهمنی که یک
فرسخ و بیی شهر است با درشکه آمدند بوشهر
در خانه کارگذار پیاده شدند و باران شدت
شد بقسی که مجال نمیداد. لذا درها بجا می خوابیدند
و صبح جمعه بمنزل رفتند لکن از گتگوی مجلس
که فیما بین بایوز و ایالت شده کسی درست
ملفت نشده که وضع صحبت چه بود. لذا بعد
از این میهمانی و ملاقات عصر شنبه ۲۱ محرم دو
ساعت بفریب مانده بایوز به منزل آقای نظام السلطنه
دیدن رفته اند و یقین است که روز یکشنبه هم آقای
نظام السلطنه باز دید بایوز رفته. و سایر قونسلات
که از ایالت دیدن کرده بودند همه را در روز جمعه ۲۱
باز دید کردند. در بایوکی هم که چندین مرتبه باستقبال
و ملاقات رفته بود در همان جمعه ۲۱ باز دید شد
فعلاً در صدد تشکیل اردوئی هستند که با توپ
بطرف دشتی و دشتستان حرکت دهند که یک از
توکرهای با خبر ایشان گفت که آقای نظام السلطنه
فعلاً باید این طرفها را و طرف لارستان و داراب
را امن و آسود نماید و الا از شیراز الی اصفهان
را صوت الدوله قبول کرده که امن و آرام بدارد
و گویا مغیث الدوله بطرف لارستان مأمور شود
حکومت بهمان راهم شاید به حاجی میرزا جعفرخان
میر السلطنه شیرازی که مدتهاست در رکاب ایشان
است تفویض و از بوشهر روانه بهمان شود با این
ترتبات امید است کارها خوب شود. اقوام است که
چهار هزار نفر تنگی پیاده هم صولة الدوله خواسته
که بر عده سوار افزوده شود و چون این خانواده
کارهایشان مستور است فعلاً هیچکس نمیداند کی
حرکت و بکدام طرف میروند و در چه خیال
هستند. همینقدر کارها خیلی خوب بطرف می رسد که
انشاء الله در مجرای خود برافتنند. فعلاً که
راه بوشهر لی شیراز در کمال امنیت و راحت
آمد و رفت میشود

(رئیس حبیب) نایب حاکم یکی از اشرار
شیراز بود و بقسی در مصیبت جری شده بود که
دختر و پسرهای مردم را میبرد بی سیرت میکرد و
میگویند چندین قتل نفس هم کرده در ماه ذیحده
از شیراز فرار آمده بوشهر. تلگراف از شیراز رسید
اورا بگیرند در بایوکی اعتنا نکرد و سوار شد و رفت مکه
این اوقات برگشته بود و همان روز که وارد بوشهر
شد شب روانه شیراز گشت. بعد از حرکت او
ایالت فارس خبر دار شد بهر وسیله بوده گویا
تلفون کرده بودند سه روز قبل در (دالکی)
اورا گرفته اند و این مسئله یکی از اقبالی ایالت
و قال بیک است. زیرا که اگر این شریر باز
به شیراز رسیده بود خیلی زحمت و ضرر و قتل و
خارت در گرفتن او پیش می آمد و حالا الحمدلله
بدون زحمت گرفتار شد و این مسئله برای سرکوبی
اشرار فارس سرمشق شد که البته مخدول و منکوب
خواهند شد

چیزیک نازه و قابل تامل است همان دخول
سارقین در اول شب در خانه جناب حاجی میرزا
غلامحسین تاجر معروف است که بعضی ها
میگویند ده هزار تومان بعضی یکمزار و کتر میگویند
برده اند. سبب این وقعه ناگرای علی الطاهر همانا
تفویض شدن بعضی از ابواب جمعی کلانتر بر رئیس نظمی
است انتظام شهری که سالها در عهده بی کفایت کلانتر
بوده حالیکه دفعه بدیگری که اهل شهر بیست تبدیل شود
البته باعث این نوع جیاوذا باید بشود. اگر شب گردی
شهر که صرفه و اهمیتش مقابل حکومت شهر است از کلانتر
انتزاع شود البته شیراز انتظام شهر گسیخته خواهد
شد. و دیگر قراریکه مینشده بود باید امروز توپ
و استعداد جناب سردار عشار بحجه تنگناست و
استقرار انتظام آن حدود حرمت کنند. اگر انکشت
در بایوکی بگذارد اسباب آسایش مردم فراهم خواهد آمد

تذکرات

(۲۸ جنوری - ۲۶ محرم)

۱) مذاکراتی که در خصوص تجدید تعرفه کرک
بین عثمانی و بلمار بود بی نتیجه مانده
۲) در پارلمان استریا وزیر بحری اظهار داشت که
در سال (۱۹۱۵) ۱۳ جہاز زرہ بوش ۹۰ کروزیار -
۱۸ موشک شکن و ۴۸ کشتی موشک و ۱۲ کشتی
غواص موجود خواهد بود. و تا سال (۱۹۲۰)
۱۶ جہاز زرہ بوش - ۱۲ کروزیار - ۲۴ موشک شکن
و ۸۲ کشتی موشک و ۱۲ کشتی غواص خواهیم داشت
ازین رو از دیاد برخی عوائد لازم است

یافته ~~سکه~~ در مستعمرات افریقا ، دو تین مجرمین پلیسی را بیکدیگر باز دهند
(اول فروری - اول صفر)

§ (مستر کایل) در خصوص انتخاب رئیس پارلمان اظهار داشت که رئیس سابق را نباید انتخاب نمایند چه مشار الیه با دینت و ظانف خویش را انجام نداد
(۲ فروری - ۲ صفر)

§ بواسطه طاعون در تجارت اقصای شرق مسان زیاد بیدار شده است

§ افواهی که در خصوص ازگشت قشون اسکایس از افریقای جنوبی شده بود تکذیب شده و چنان اظهار داشته اند تا وقتیکه افریقای جنوبی مقتدر بصیانت خود شود قشون عودت داده نخواهد شد
تلفکرافات راجع با بران
(۲۵ محرم - ۲۷ جنوری)

§ بموجب اشاعه اخبار رسمی مراعاتیکه دولت اسکایس در باره قشون بحری در مواقع شایده که در خلیج فارس منظور نموده در سواحل عمان نیز رعایت خواهد نمود

(۳۱ جنوری - ۲۹ محرم)

§ وزیر خارجه آستریا در پارلمان اظهار داشت که دولت آستریا - هنگری. از قرار دید روس و آلمان ناراض نیست. چه بموجب شرایط قرار داد در خصوص عبور و مرور ظامراست که تجارت ایران بروی کلیه ملل. آزاد تسلیم شده است و من یقین دارم که بین آلمان و آستریا کاکان اتحاد برقرار خواهد ماند. ولی هر حال تقویت قشون روس و بحری آستریا برای برقراری صلح و امنیت عمومی باید برقرار آید
(مستر هاربرت سارل) در ضیافت انجمن بین المللی حراید ضمن نطق خود از اخبارات خواهش نمود که هیچ نکته را فروگذار ننمایند در ازدیاد اتحاد بین انگلیس و آلمان ، و هیچ چیز نزد حکومت خوشتر ازین نیست که بطریق دائمی بین دولتین صلح و امنیت ترقی نماید

(۲ فروری - ۲ صفر)

§ بموجب خبریکه بطهران رسیده بر متمد خاقان حکمران اسفهان و برادر زاده ایشان، رئیس سابق پلیدس که از رعایای روس بوده شلیک و بقونسلخانه روس پناهنده شده. تسلیم کردن جان بحکومت مشکل معلوم می شود. و خیلی حال مضروبین خطرناک است
(۳ فروری - ۳ صفر)

§ در دارالشورای ملی طهران بدون هیچگونه مباحثه بانفاق آراء کانترا ت پنج نفر مستشار های امریکائی محمه یافت که بین سه و پنج سال آمریکا اجیر شوند

§ در وزارت خارجه با حضور سفیر ژاپون و حیثی از مشاورین مشغول مذاکره اند و چنان مستند میشود که بین دولتین انگلیس و ژاپون یک عهدنامه تجارتی بسته میشود که مواد آن پوشیده است ولی همینقدر معلوم شده است که با کامیابی تمام مشغول انجام اند

(۲۹ جنوری - ۲۷ محرم)

§ در یکی از مجالس مهمانی لندن که بمناسبت عید میلاد اعلیحضرت امپراطور آلمان شده بود سفیر آلمان در موقع نوشیدن جام صحت اظهار داشت که بنیوت بیوسته اعلیحضرتان جارج و ولیم سانی اند در اعتماد و اتحاد بیکدیگر

§ اعلیحضرت پادشاه انگلستان منظور نمودند حکومت کشوری و لشکری عم خودشان (دیوک آف کنات) را در کنیدا و در ماه دسبر رای دوسال به محل حکومت خود از زوجه محترمه شان خواهند رفت. اخبارات نیل بدین عهده ایشانرا تبریک میکنند
(۳۰ جنوری - ۲۸ محرم)

§ منباب معاهده تجارتی و سیاسی مابین کنیدا و امریکا در آخرین نقطه آن با منتهای سرگرمی بحث می شود. افواہ است که با وجودیکه تجارت انگلیس را در کنیدا مزیت داده شده ولی عاقبت امریکادر نفع ماند و اسکایس در ضمان

§ مرض طاعون در منچوریا روز افزون در ازدیاد است و در شمال چین سوی (شانگ) مرض طاعون رو به کمی شده دولت چین بر او و بجزر آن مقام از جلوگیری مرض را از (سنگ تو) مینمایند
§ در مجمع الجزایر فلبیان (کومال) شروع به آتش فشانی نموده. پنج دهات برباد و ۳۰۰ نفر تلف و بسیاری هم محترق شده اند

(۳۱ جنوری - ۲۹ محرم)

§ افسران قشونی فرانسه رای بفارم قشون یونان وارد (اتن) گردیدند

§ رسماً اشاعه یافته است که ولیمهد آلمان از کلکته عودت بوطن مألوف خودشان خواهند فرمود و بواسطه شیوع مرض طاعون در اقصای شرق از سیاحت آن صوب صرف نظر فرموده اند
§ از تلفکرافت بگن معلوم می شود ~~سکه~~ مرض طاعون در منچوریا رو فلت نهاده است.

§ امالی (نیاروی) که واقع در افریقای شرقی اند درخواست نموده که از ورود امالی آسیا بداجا محاصرت شود

§ پارلمان انگلستان مفتوح و وکلاء شروع بقسم قانونی نمودند

§ بین دولتین انگلیس و آلمان بقرول نامه قضای

۱) حالت معتمد خاقان حاکم اصفهان رو بصحت است ولی برادرزاده ایشان این جهان فان را وداع گفت ، چنان معلوم می شود که این واقعه بواسطه معاملات نقدی و شخصی بوده است

۲) حکومت هند تا زکی اخلاص عموده به واپسی و حوه گمرکی که از برجه های هندستان که از صریق و شکی بایران رفته است ، ازین و بعد ائمه های که از طریق بوشی از هندوستان بایران فرستاده شود در کارحاجات مهر خواهد نمود و حق گمرک را خواهند داد ، و این از آنیکه از قویان سیدستان رسماً ورود ائمه مذکوره رسیده حکومت محل وجبی را که بتوان گمرک گرفته باز خواهد داد ، و این تخذیب فقط در ائمه که از هند برای ایران از راه بوشی می رود مراعات شده و باین اصول چنان تصور می شود که تجارت ائمه هند در وسط آسیا ترقی نماید

۳) در شورای باریس يك ازارکان فرقه سوشالیست (مسیو جاریس) ضمن مباحثات چنین تقریر نموده که باید مستقیماً فرانس با آلمان مألوف شود و تا کنون مسلك الحاق بوسینیا و هرسک که به آستریا شده مشکوک است چه دولت روس در پورتسدم وعده نموده است که بقوه نفوذ خود فرانسه را هم در تأیید راه آهن بغداد متفق سازد ، و این نکته نیز از طرف دیگر تسلیم شده که راه آهن اتاتولی تعبیر نخواهد شد معلوم نیست که تا چه درجه فرانس در ایران و عنای منافع روس و آلمان را مؤید خواهد گردید ، آیا معلوم بود که اینگونه مسائل در پورتسدم موضوع بحث خواهد شد ، وزیر خارجه فرانس (مسیو بیچن) اظهار داشت که حکومت فرانس مطلع بود که مسئله ایران و راه آهن شمالی ایران موضوع بحث است

۴) (مسیو جاریس) بیان کرد که هیچوقت در موقعیکه روس با فرانس عقد اتحاد بست مستعد مخالفت با آلمان نگردد ، و با وجود طوفان مخالفت های عظیمه که بین آلمان و روس برخاست آثار کدورتیکه منجر بجنبك شود بین دولتین بیدار نشد و همواره دولتین در مغلوب ساختن فرقه احرار متحد المسلك بودند ، لذا مناسب چنان است که برای برقراری امنیت و صلح عمومی بطریق مستقیم بین آلمان و فرانس اتحاد قائم گردد ، و این اتحاد بهیچوجه کمتر از اتحاد ثلاثه روس و فرانس و انگلیس نمی تواند نخواهد

تقرب آلمانرا بجهت تا ضامن امنیت صلح عمومی شود ، این لازم است که فرانس تسلیم کند که چنین اتحادی ضامن امنیت عمومی است نه اتحاد سوق عسکری فرانس باید مخالف باشد با اتحاد ثلاثه آلمان آستریا و ایتالی البته از مذاکرات (کوانت دان ارنهال و مسیو اسپالیک) که بدون اطلاع او شده است که ر اعزاز و توتیر فرانسه وارد آمده ولی امروز کسی را حق آن نیست که ر آن مسلك فتح منداه ایراد نماید مقرر موصوف اظهار داشت که در وقت امضای معاهده روس و انگلیس که بین دولتین تقسیم ایران نصیب العین برید دولت فرانسه ظلم فاحش دیگر بر عوالم اسلامیت نمود و دولت انگلیس امروز نتیجه آن سهو سیاسی خود (که روس را در ایران اقتدار بخشید) حاصل می نماید ، چنانچه دولت روسیه برخلاف مرضی دولت انگلیس با آلمان منباب راه آهن بغداد معاهد نمود بلی یکی از خطایای فرانس این بود که در خصوص قرضه عنانی برای منافع (اوتومن بانگ) شرابلی پیش نموده جوانان ترك استشمام حمله بر استقلال خود نموده از قبول آن انکار کردند

۵) مسیو بیچن وزیر خارجه فرانس در جواب اعتراضیکه منباب مهمل شدن اتحاد ثلاثه فرانس و روس و انگلیس شده بود با لاجه شدید جواب داد ، که شما چه اطلاع دارید درین موضوعات ، امور پلتبکی بطریق عمومی کشف نتواند شد ، امروزه اتحاد فرانس و روس و انگلیس نسبت به سابق خیلی مضبوط تر و مستحکم تر است و جنبیت پلتبک فرانسه اینوقت بهتر از سابق است

۶) اتحاد فرانس و انگلیس خیلی مفید و کار آمد ثابت گردیده و فرانس مسلك صلح و امنیت عمومی را تعقیب نموده است

۷) در جواب سؤالیکه پرسش شده که آیا دولت روس در مذاکرات پورتسدم دولت فرانسه را مسبوق نموده بود ، جواب داد بلی ، از مذاکرات ایران و راه آهن ایران و بغداد مطلع بوده است و همه روزه دولت روس ما را بی اطلاع از محاورات نمی گذاشت و ما را هیچگونه تاسفی از حیثیت و مقام کنونی فرانسه حاصل نیست

(۴ فروردی - ۴ صفر)

۸) در موقعیکه صنیع الدوله وزیر مالیه از مجلس بیرون می آمد در غر از او امنه برایشان شلیک نموده و فرار کردند ، جاپها ته قب شده بولی تا کنون

(جیل المین کالکتہ)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۵)

HALLUL MAJIN OFFICE
4, BRIDGE COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلبہ امور ادارہ نا)

(مدیر کل مؤید الاسلام است)

(مردوشہ طبع)

(وسه شنبہ و بیع میشود)

(یوم دوشنبہ)

(۱۳ صفر المظفر ۱۳۲۹ هجری)

(مساد نا)

(۱۳ فروری ۱۹۱۱ میلادی)

ولا حق اخذ ابون بدون لعض نداره و روی که
(مشتقین را دمن مخصوص سال هیجدهم است)
(دوما شان روی شاخته نمیشود)

(قیمت اشتراک)

سالانه — شش ماهه)

(هند و برمه)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(۵۰ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ مات — ۶ منات)

المبتدیان

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف ادارہ درج نمیشود)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و سماع دولتی و فواید ملتی بحث میشود
(معالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادیست)

انا لله و انا اليه راجعون

پس آمده‌های ناگوار ایران طاهر میدارد که انقلابات خونین این مملکت تاکنون خانه پذیرفته دیروز حمله بر معتمد خاقان حکمران اسفهان و برادر زاده ایشان پیش آمد. امروز وقعه فحیمه صنیع الدوله وزیر مالیه تیار تازه جلوه گر ساخت صنیع الدوله پسر مرحوم مخبرالدوله بزرگ است که تعلیمات خود را در برلین تکمیل کرده بود در دوره اول مشروطیت ما با حسن عقیده ملت و وکلا رئیس پارلمان شد و قوانین چند در همان ابتدای کار با آنها موافق ترتیب داد و در حقیقت اصول پارلمنتری را بسائر وکلا تعلیم نمود و با آنها خدعه کاریهای آن دوره در انجام وظایف فزونی کوتاهی نکرد و پس از استعفاء از ریاست مجلس بوزارت مالیه منتخب آمد و بعد از اهدام مجلس مضرب محمدعلی و اطرافینش گردیده ناچار انزوا گزید در آخرین وهله که محمدعلی تشکیل کابینه باسم عود مشروطیت نمود مرحوم صنیع الدوله هم جزء وزرا گردید و در کابینه سبهدار اعظم نیز آن مرحوم بوزارت های مختلف منتخب آمد از چند ماه باینطرف وزارت مالیه را عهده نموده و الحاق در این وزارت به قلیل زمان خدماتی را انجام داد که هیچ يك از وزرای سابق این عهده نداشتند و این وجه جمع و

خرج مرتب و حصه جمع را نیز بمجلس پیش نمود و بعید نیست که حصه خرج را هم قبل از شهادت خویش بمجلس پیش کرده باشد. مرحوم صنیع الدوله مردی بود عالم محب وطن استقلال جو و ترقی خواه و در کارها نسبت بسایر وزرا بفعالیت شناخته شده و بوظایف خویش مامل بود. در فن ایگانی صاحب دیپلوم و در کارهای نافه مائل و دخل را از طریق مشروع و تجارت می پسندید، چنانچه کارخانه و بسا نای را ب سرمایه خود در طهران دائر نمود و اول کسیکه نقشه بنک ملی و ادای قرضه روس را ریخت آت مرحوم بود. و نیز نقشه برای تشکیل کپان راه آهن در مشروطیت صغیر ریخت که مشکلات زمانه به هیچ یکش موفق داشت اضافه گمرکات بر قند و جاهی در دوره اولیه مجلس از مجوزات آن مرحوم بود

صنیع الدوله از اولین رجالی بود که تشکیل یک وقایت را در جلو روس و انگلیس لازم می شمرد و تا درجه به ازدیاد نفوذ آلمان و عثمانی مائل و آزاد خیال و دارای کمال قوت قلب بود و در مقابل اجحافات و تکالیف نا جائز همسایگان ابداً زیر بار قبول نبرفت و سرآ بایکات امتعه روسیه را بزرگترین محرک بود و این نکات سبب گردید که پس از ورود سید پروت وکیل دیچ بنک آلمان

بظہران سفرای روس و انگلیس و خلاف قوانین
بن المللی ساعی در ترک وزارت ایشان گردیدند و
از رکت استقامت آن مرحوم و همراهی های مجلس
مقدس در تغییر مرکب ایشان رکن رکن و وزیر بودند
صنیع الدوله با اینکه دارای ثروت هنگفت مانند
سار رجال ایران بود ولی چون دی علم بودی
همه نقشهای نافعه محال ملکت و ملت میریخت و
خوبستن را اولین سهم و شریک آن اعمال
می نمودی چنانچه در این اواخر مجدداً نقشه تشکیل
راه آهن ایران را با بیانه وسیعی ریخته بود و هیچ
بید نیست که سبب قتل آن مرحوم همین نقشه راه آهن
که برخلاف مقصود همسایگان است شده باشد، ولی کان
نمی رود که ایرانیان از این مقصود مقدس یعنی تشکیل
کبابی و تعمیر راه آهن داخله خود صرف نظر
نمایند و یقیناً شهادت آن مرحوم به سرارت جمیع
طبقات در انجام این مقصود که روح حیات استقلال
ایران است، بیادگار آن شهید راه وطن خواهند
کوشید و انجام خواهند داد

صنیع الدوله از اولین رجال بود که در
لوث و خیانت بمشروطیت ایران خدمت نموده و به
جلب مستشارهای خارجی بکوشید چنانچه جلب مستشار
های مالی ایران از امریکا به اصرار و کوشش
آن مرحوم شد و قدر و قیمت این خدمت بسیار
و اقتصاداً بالاتر از آن است که بتوان تشریح
نمود، ایرانیان راست که کلیه مجوزات این راه مرد
وطنخواه را از مدنظر دور داشته در انجام و
پیشرفتش بکوشند و مانند خود آن مرحوم از هیچ
عائق و مانعی نهراسند و از جاده استقامت و استقلال
باز نیایند، مالیات نمک و تحدید تریاک از مجوزات
آن مرحوم است که عنقریب منافع عظیمه را باید به
دولت خواهد ساخت و یک از ابواب عایدات
عمده دولت خواهد گردید، واقعه خونین شهادت این
مرحوم دو نکته مهم را جلوه میدهد یکی آنکه هنوز
یارتی بازی با اسم احزاب سیاسی به اشاره همسایگان
و بواسطه قیام قشون بیگانه در دروازه طهران حکم
فرما است دیگر آنکه دولت روس در پیش رفت
حفاصه ناجائز خود متشبث با اقدامات خونین زد لانه
گردیده است، حمله بر معتمد خافان حکمران اصفهان
و حادثه فجیع آن مرحوم صنیع الدوله وزیر مالیه و
حایت های ناجائز قونسل و سنیر روس از مرتکبین
آشکارا میباشد که علت الملل اعتشاشات و انقلابات
خونین ایران همه دخالت های ناجائز نمایندگان روس
است، قونسل خابهای روس در ایران ما من اشرار
و پست و بناه قطاعان طریق و دزدان بهری و علنی
خارجی و داخلی گردیده، وجود قشون روس

قاتلین حجت الاسلام بهستانی را نماینده روس باسم
و عین خود بقسمی سرآ و علناً حمایت نمود
که دولت از بدست آوردن آنها و سزایشان
مجبوراً صرف نظر کرد، بر فرض هم که گفته
شود رسماً و مستقیماً نمایندگانش روس دخیل
این اقدامات خونین نیستند باز هم خواهیم گفت
چه شرکت در این گونه واقعات موثرتر ازین است
که حامی این گونه اشرار بر است یا دروغ
باسم رعایای خویش شدند، هر کس از عداوت
روسیان نسبت بمرحوم صنیع الدوله و برادرشان
محرور السلطنه فرمانفرمای آذربایجان مسبوق باشد میداند
که تمام این نیرنگ ها ریخته دست نمایندگان روس
است، ولی ما بایک اعتقاد راسخ نمایندگان روس را
آگاه می نمایم که عرض خود میبرید و زحمت ما میدارید
چه پیش آمد ایران بنمایند که هر آن و هر دقیقه
صد مانند صنیع الدوله بلکه بالاتر از آن را ما در
طبیعت برای ایران تواید خواهد کرد، و نیز هر
قطره خونیک از مرحوم صنیع الدوله زمین ریخته
شده بعدد حسابهای جوشش آن صنیع الدوله وسخت تر
از آن در جلوگیری از اجحافات روس پیدا خواهد
نمود، شک نیست که شهادت مرحوم صنیع الدوله
داعی است بر دل وطن خواهان که تا در باز زائل
تواند شد ولی حرارت و هیجان عقلانی که از شهادت
این راه مرد در ایرانیان خارجه و داخله تواید شده
و خواهد شد حس ماقبت او را بزرگترین سبب
تواند گردید، و دشمنان او را این تشبیهات بجای
ضع نقصان خواهد رسانید روسیان را از این تشبیهات
خونین چند امر مدنظر است

اول گل چینی رجال عالم وطنخواه ایران که مانع
پیشرفت مقاصد آمان شناخته شده اند
دوم جای دادن بعضی وعداوت ارامنه در قلوب
مسلمانان - چنانچه چند سال قبل در بادکوبه نمودند
و هزاران نفوس را فدای اغراض آزادی کشانه
خویش ساختند، ولی دانشمندان ارامنه بخوبی این
نکته را دانسته و از مقاصد روسیان که بیشتر مخدول
و منکوب نمودن آنان است واقف و این مسئله را
بتر بخوبی میدانند که اگر هیجان ملی برخلاف ارامنه
در ایران پیش آید دیاری از آنها زنده نتواند ماند
و ملتنت اند که در هیچ نقطه دنیا و در هیچ
سلطنت مسیحی آزادی و عزت و آسایش که در
ایران برای ارامنه مریاست وجود ندارد و کوشش
روسیان این است آنها را منفور ایرانیان ساخته
پشت و بناه و آرامگاهی برای ارامنه باقی نگذارند
ما تصدیق داریم که ارامنه چند صد سال است در
ایران مرتکب اینگونه جنایات قاعیده ها نشده اند

ایران کرده و در دوره مشروطیت نیز همراهی
ارامنه را با احرار ایران فراموش نتوانیم نمود
ولی این حرکات وحشیانه سبب نفرت ملی ایرانیان
از آنها گردیده رفته رفته حقوق ملی را از آنها
سلب خواهد داشت و این امر سر تا پا زیان
واحد به ارامنه خواهد گردید. دانایان ارامنه و
خلفای اصفهان و آذربایجان راست که فوراً از
این حرکات ناشایست اظهار نفرت نموده جبهه خویش
را از ارتکاب اینگونه واقعات متنبه کرده بازدارند
و به و خاتم آن بیشتر باید بخودشان خواهد گردید
و این سخن نزد عقلا مسموع خواهد شد که مرتکبین
این جنایت خویین رعایای روس اند چه مرتکبین را
از ملیت ارامنه خارج نتواند ساخت و سکه این
بدنامی در تمام عالم باسم جنس ارامنه زده خواهد شد
« چایچه در این وقعه زده شد. است »

(وظایف ایرانیه)

(اول) ابراز عیجان ملی در این دو وقعه خونین
برخلاف حمایت های ناجایز مایندگان روس از قاتلین
و اظهار همدردی صمیمی با خانواده مرحوم
مخبرالدوله « که کثر خانواده در علم و فضل و واقف
بمواقف زمان مانند ایشان در ایران سراغ داریم »
عداوت روسیان باین خانواده بیشتر بواسطه علم و
آزادی عیبی شان است چنانچه حدیث قوسل روس
با مخبرالدوله فرماهمای آذربایجان که برادر مرحوم
صنیع الدوله است لازم بشرح و بیان نیست. البته
همدردی ملت با این خانواده مزید دلگرمی ایشان و
سایرین بخدمات ملیه و وطنیه خواهد گردید

(دوم) انجام مقاصد و مجوزات مرحوم صنیع
الدوله را از تشکیل بانک و ادای قرضه روس و
اضافه گمرکات و تاسیس کبابی برای تعمیر راه آهن
داخلی « که در حقیقت بزرگترین قدر دانیهای ملی
که حیات استقلالیه ایران را متکامل است پیشرفت
این مقاصد مقدسه شناخته شد. »

(سوم) جلوگیری سخت از شرکت رعایای
خارجی در احزاب سیاسی ایران و خدمات دولتی
(۴) جلوگیری قانونی از عموم سفراء و قونسلات
دول در قبول تحصن و حایه جنایت کاران اعم از
رعایای خود و غیره بستارنخانه های خویش و نسخ یک
ماده از عهدنامه ترکمانچای چه تا وقتیکه سفارتخانه های
خارجی مامن اشرار داخلی و خارجی باشد و جنایت
کاران رعایای روس در روسیه سزایاب شوند امنیت
در مملکت پیدا نخواهد شد و این امر منحصر بر آن
است که قوانین عدلیه سریعاً از مجلس گذشته و محاکم
را بر سبیل عموم مهم از خارجه و داخله بکسان

و مانعی نه بپند سر به طغیان نهاده بی اعتدالی را
شیمه خویش می سازد چنانچه امروزه ایران بواسطه
عدم وادع و مانع میدادش تمکب و سرکشی مال
تمدت های اروپا گردیده هر یک با اندازه مقدور
در بپال نمودن حقوق ایران و زیادتى باین مات
آرام درین میدارد. نه-ایت چون هنوز رقابتی
بین خودشان است در بعض ارتکابات قدری دست
پیش روی میگیرند. ولی هر یک سرأ هر اقدامی که
توانند می نمایند و برای رفع موانع رقابتی و جلب
منافع خود را کرده تصور نموده زنده زنده بر سر
ترکه مان بر خودها معاهده می نمایند. معاهده روس و
انگلیس و آلمان و روس تمام از بی حسی ماست
و اگر ما را زنده تصور می کردند بدون برش و
استنثار و بلا اجزه و استنتراج مالک مان را تقسیم
نه نموده و منطقه بود در حالک ما برای خودشان قائم
نکرده تحدید راه های آهن ما را می نمودند. پس اعظم
وظایف ما اظهار حیات و ابراز حیات زنده کی
و مقدمتاً برای اظهار حیات و ابراز حیات ملی
بجمله اقتصادى است که بر حسب فردیت
واجب الاذعان ریاست روحانی اسلام بر هر فرد
مسلمان واجب عینی گردیده است. مسئله بایکات
با اندازه اهم و جاب انتظار اروپائیان است که
بمجرد اقدام اهالی عبور خراسان و تأییدات علمای
اعلام آن خطه تلگرافات متصل به کلیه اروپا گسیل
گردیده و روزنامهجات متبره فرنگ ماسه دیلی نیوز و
فیکارو و غیره مقالات اساسی بر این اقدامات غیر تمدنانه
خراسانیان نکاشته می نویسند که عنقریب کلیه ایران
در مقابل اسجافات روس شروع باین اقدام حیات
بخش خواهند نمود. و از اثر اقدامات غیر مرمومانه
ایشان است که روسیان زمره اخراج قشون خودشان را
از قزوین می نمایند هرگاه ایرانیان بطریق عموم
در این مجاهده اقتصادی که طامه الحیات ایران است باید
گفت جداً ایستاده و استقامت نمایند به آنها روسها
را پیش پای خود خواهند نشاند بلکه اسکلیان را
نیز از آن خیالات بالا بلند باین خواهند آورد و
آلمان را که با روس مستعد معاهده بر سر ایران
گردیده هوش آورده اگر خیال استقلال شکنانه در
حق ایران داشته باشد باز خواهند داشت پس
او این وظیفه ایرانیان در ابراز حیات ملی همانا
بایکات امنه روس است که بر هر ایرانی امروزه
واجب عینی است. مشروط بر این که تا کار را
کاملاً انجام ندهند از این مقصود مقدس دست نکشند
و بمواعید مرقوب و نموده باغهای سز روسیدان
سرد نگشته. ترک این عیجان مقدس عقلانی را ننگوند

قابل عبرت

لایحه مورخه ۲۷ شعبان در شماره ۱۷ صفحه ۱۹ از کابل باهضای حس‌خان سردار زاده بتدری در قنوب افسرده معدودی ویس پرستان دین دار اثر بخشید که اگر صد نفر صاحب ناموس با کمال عبرت و حرارت حاضر شده اند حالت های خود را در راه ویس و حفظ ناموس اسلامیت نشر سازند، ذکی برهلب سخت تر از سحره صهای بزرگان دولت و رؤسای ایلات و بعضی علما بایان بدر خردلی اثر نموده است.

ای بزرگان ایران ای شاهزادگان ای رؤسای ایلات ای علماء دین دار! آیا هرگز تصور میکردید که مردم عبور افغانستان این حور عبارات محبت آموز درباره برادران اسلامی خود بنویسند و ماها ادا عرق عبرت و اسلامیت نداشته باشیم، خوب است مجدد این لایحه را تشریح مائیم تا کسانی که از تاریخ افغانستان اطلاع وانی دارند استحضار هم رسانیده شاید بتدری عشری از عبرت و جلالت اهالی افغانستان در وجود مرده ماها احداث یابد

تمام اهل اسلام در تحت کلمه طیبه لا اله الا الله محمدا رسول الله امت واحد بوده اخوت و برادری و مساوات و مواسات و جهاد فی سبیل الله شیمه این امت مرحومه بوده. اینک تاریخ سرجان ملکم حاضر است که اول کسی که القاء اتفاق نمود دولت همسایه بود که در زمان شاه عباس مرحوم مأمورین آت دولت ایران را تحریک بجنبگ عنانی نموده تا اینکه تخم این حاق ملبرث ها از مسلمان ها را بخوش آغشته نمود، بعد از پانصد سال امروز چه قدر باید شاکر باشیم که برادران افغان ما برای حفظ استقلال ایران برای جهاد حاضر شده میفرمایند «علمای افغانستان حاضر شدند که بعد از حرکت علمای عقبیات عالیات آنها نیز برای حفظ بیضه اسلام همراهی نمایند» خوب است کتاب سوانح عمری مرحوم امیر عبدالرحمن خان را سیاسی دانهای ایران بخوانند، امروز باید آن شخص بزرگ را ستود که بقدر خدمت باسلام فرموده کسانی را که مغرب اسلام وحای کفر بوده و از جهالت هر روز اسباب کلواخوچه شده دور یکتفر سردار

جمع کثیری را جلای وطن نموده مدتی در هندوستان بسر برد. بالاخره راضی شدند که بروند در کابل کشته شدن را از تبعیت کفار بهتر دانسته، امروز بزرگان افغانستان فهمیدند که زوال ایران باعث زوال افغانستان بلکه همان و زوال دولت اسلام و مذهب حق اهل توحید است

شرح تاریخ افغان را کتاب ما در کار است مابین مختصر نشاید. لهذا باین لایحه اهالی افغانستان باید در هزار بار خدا را شکر کنیم که تا یکروز قبل کثرت جهالت ماها برادران را دشمن یکدیگر قرار داده بود. بکفر یکدیگر و قتل یکدیگر دعوت می نمود. امروز بحداد و برادری درزواه محبت ما الطهارت تناری میباید، همین ایران و افغان بود که روی زمین را مسح کردند. ای علمای بزرگ ایران حضرت آیه الله خراسانی و مازندرانی و سایر حجاج اسلامی بزرگ ایران که چشم آنها را خداوند بسبب نور محمد صلی الله علیه و آله و سلم باز فرموده پیش آمد زوال اسلام را دیده و فهمیده سلطنت مستقله ظالمة ایران را مبدل بمشروطه فرموده ماها را دعوت بانفاق میفرمایند. آیا چه نتیجه مالا تر از این که تمام ملت افغانستان و علمای آنها برای اتفاق و اتحاد با ما حاضر شده فهمیدند که دولت مزور روس در ترکستان میانه اهل سنت و جماعت را عمداً نفاق و جدال انگنده، میدانند که امروز معاهده دولتین روس و انگلیس محض قلع بیضه اسلام است. اینک ما را دعوت بانفاق میباید، بر غیرت و جهالت ما طعن میزنند، ما بکلی متأثر نشده بجان یکدیگر افتاده ریشه وطن و اسلامیت خود را می کنیم سردارزاده افغان میگوید «روزنامه جبل المتین را میخوانم از اوضاع ایران و حال مسلمانان و پیشرفت مقاصد دشمنان اسلام بجای اشک خون میبارم، بر هیچ ذی حسی مقاصد دشمنان ایران که اضمحلال اسلام است پوشیده نمیباشد»

(قیافه)

ای علمای ایران، ای بزرگان، ای شاهزادگان، ای رؤسای ایلات، ای سرداران که همه دعوی غیرت و دیانت دارید، افغان ها عوض اشک بر شماها خورش میگردند، آیا عرق غیرت و عصیت شماها

شہارا کہ با بیغہ بر روی ریشہ یکدیگر را درمی آورید؛ دولت انگلیس ملیان ما لیرہ در افغانستان خرچ کرده ماہی یکصد و پنجاه ہزار روپیہ بدولت افغان دادہ سکہ حای و دولت انگلیس و میسائے روس و ہندوستان سدی شد کہ روس ہا را نتوانند بہند آمدہ لغہای خدا دادہ آنها را بر بایند، ملیان ہا سردار ہا دادہ امیر یعقوب خان و ایوب خان و سایر سردار ہا را مواجب دادہ، ملک افغانستان را بعد از گرفتن کابل و قندھار بوسیدہ بدوستی قدیم مرحوم امیر عبدالرحمن خان نمودہ، ہمت و غیرت و مردانگی افغان خاصہ آن امیر کبیر کہ اول سیاسی دان آسیا بودہ در این مدت نگذاشت بکوجب از افغانستان را مسایگان تصرف نمایند، راضی نشدہ وکیل سیاسی از ذات اروپائی در کابل و قندھار باشد، اگر باجازہ یککنفر انگلیس عبور میکرد جز عرض و طول راہ چیزی میدید، آرزوی کشیدن راہ آن از قندھار بہرات بدل آہا ماد

لاکن امروز چشم آہا باز شدہ میدانند کہ رقابت روس و انگلیس تمام شدہ، وقتی است کہ میخواہند تخم های کاشتہ، اعوض بردارند، و متدرجا استقلال افغانستان را باز گیرند، مسلم است کثرت قشون در افغانستان خرچ دارد، ماچار باید از رعیت اخذ نمود، لازمہ آن ظلم و تعدی و فشار بر ملت است، ملت جاہل را متدرجا محروک شدہ فلان امیر را نشان حکومت کابل دادہ بنای نفاق و شورش و بلوی شدہ شاید خوردہ خوردہ مثل ایران مادر های مہربان آنها را دعوت بمشروطہ نمودہ، مملکتی کہ نمودہ، دارد نہ صاحب علم دارد یکدفعہ شالودہ او را خراب کردہ دیگر ممکن نیست کہ بدون دست مدعیان بتوان امنیت داد، کشتن و بستن نیز حدی دارد، در این صورت اگر ایران نیز کہ اہالی آن مسلمان و سرکر اسلام است تقسیم شد کہ استقلال افغان و افغانستان نیز اقتراض یافته، پس از اقتراض ایران و افغانستان توجہ عموم ملل نصاری معطوف بدولت عثمانی خواہد شد، ممکن نیست سکہ بتواند قدسی رو بہ ترقی و اصلاح بردارد، پس جا دارد کہ افغانہا بر برادران ایران خود عوض اشک خون بگیرند، آیا کدام سنگ بالاتر از این دو تمام روی زمین

خود را بانگلیس یا فلان الدولہ خود را بروس بستہ، یا فلان رئیس عشائر در معنی حای انگلیس و در حمایت او متکی شدہ، ہمین حرکات سایر سرداران ما مسلم است تا قیامت لمن ابدی را بروی خود نہادہ نام آنها بزشتی بلند و ملعون و مردود تمام دول اسلامی خواہد شد، بموجب کائنات نجات استقلال ایران بلکہ قاطبۃ اہالی اسلام موقوف بانجام است.

ای ایرانیان ای نیاکان اوردتبر و شاپور، ای یادگار سلطان ارسلان و سلطان محمود و ناصر شاه افشار، ای کسانی کہ دعوی غیرت و اسلامیت دارید، ای کسانی کہ ہمیشہ سلاطین ہندوستان و سندہ از جور تعدیات بملک شاہ پناہ آورده امرای ترکستان بواسطہ حمایت شاہ باطارت خود رسیدہ، نفاق تا کی، جدال خانگی تا چند، بر خیزید بر خیزید! شہارا دول ساثرہ قابل هیچ نمیدانند، شہارا گدای طہار بی شرف بی ناموس میخوانند، چنانچہ گفتند اگر تا سہ ماہ امنیت خانہ خود را ندادید ما امنیت دادہ لاکن شاہ قابل نمیباشید کہ از بول خود مخارج شاہ نامیم و چشم شہارا کور کردہ از ملت فارس و سایر شہرہای جنوبی بنام کرک صد دہ از شاہ بگیریم، شاہ قابل اینکہ دول بول خود را خرچ تان نمایند نمیباشید، روس در اعظم بلاد شہالی کہ مثل تبریز دارالحرب ایران است ممدودی قشون آورده توہین رئیس ملت شہارا نمودہ ابداً غیرتی در شاہ ندیدند، در سرکر اسلامیت شاہ (مشہد مقدس) دولت روس توپ بی حیاتی بست غیرتی در شاہ ندید.

انگلیس و روس فهمیدند غیرت و شرف در ایران معدوم شدہ امید دوستان و بی دشمنان از ملت تبریز و فارس بود، تبریزیان اگر جندی خفتہ از زحمت دوسالہ جنگ های محمد علی خستہ شدہ، لاکن فارس مرده صرف است جز ممدودی دزدان خبری نیست، ویاست ایل را از ہزہی اگر بگیرند آن ایل محروک ہزہی میشود، دیانت اسلامیت عبرت مردانگی مرحوت در فارس نیست، ہمچہ قومی حق ندارد خود را آدم وانسان و مسلمان بخوانند، آنها طالب تبعیت کفار و فضلہ خور اعیارند، از حال های بنادر گمرتہ تا بزرگکاش ہم منتظر قدم اعیارند، چہ خوب میگوید سردار زادہ افغان کہ